

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام مسجد (۲۳)

کوثر

ویژہ ائمہ محترم جماعات

مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان

معاونت آموزش و پژوهش

نشانی: مشهد، حرم مطهر، دوربرگردان طبرسی، جنب

بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ساختمان مرکز

مدیریت حوزه علمیۀ خراسان،

طبقه اول، مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان

تلفن: ۰۵۱ - ۳۲۲۸۱۷۴۶

رایانامه: info@masjedkh.ir

پایگاه اطلاع رسانی: masjedkh.ir

فهرست

- ۷.....حق ولایت و حاکمیت در عصر غیبت
- ۱۲.....راهپیمایی از مصادیق تعظیم شعائر الهی
- ۱۴.....کیفرهای معنوی گناه
- ۱۷.....فضایل و ویژه‌گی‌های حضرت زینب (علیها السلام)
- ۲۱.....وظیفه سنگین و ارزشمند پرستاری
- ۲۳.....راه‌های غلبه بر مشکلات و رسیدن به موفقیت. (۱)
- ۲۷.....راه‌های غلبه بر مشکلات و رسیدن به موفقیت. (۲)
- ۳۱.....خاشعین در نماز
- ۳۹.....خطر فتنه‌گران در قرآن
- ۴۳.....اهمیت حسن خلق در سبک زندگی اسلامی
- ۴۷.....عمل خالصانه
- ۵۲.....امام شناسی و دفاع از ولایت حضرت زهرا (علیها السلام)
- ۵۸.....شفاعت و شرایط شفاعت شونده
- ۶۲.....منافقان و پروژه نفوذ
- ۶۶.....رنگ خدا
- ۶۹.....تربیت دینی در سبک زندگی اسلامی
- ۷۴.....«اهمیت مشارطه»

- محاسبه نفس را جدی بگیرم..... ۷۷
- عصبانی نشدن نابجا..... ۸۱
- حفظ عزت نفس و در خواست کمک نکردن از دیگران..... ۸۴
- در پرهیز از خود خواهی..... ۸۷
- آثار احسان و نیکو کاری..... ۹۰
- صدقه خود را پنهانی بدهید..... ۹۲
- مهلت دادن به بدهکار نیازمند..... ۹۶
- اهمیت و آثار سرپرستی یتیم..... ۹۹
- شهیدان زنده‌اند به آنان مرده نگویند..... ۱۰۳

* مقدمه

مصادف شدن ماه جمادی الاولی با یوم الله ۲۲ بهمن، سالروز پیروزی انقلاب اسلامی باعث می شود نسبت به این پدیده معنوی که شروع آن برگرفته از واقعیت غدیر و تفکر امامتی است و إن شاء الله به انقلاب جهانی منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه متصل و همراه می گردد، توجه ویژه و مهمی از جانب ائمه محترم جماعات و مبلغان به عظمت و دستاوردهای انقلاب اسلامی مبذول گردد؛ شناخت، شناساندن و یادآوری جایگاه انقلاب اسلامی و نقطه شروع و امتداد و اتصال آن، در نوع سبک زندگی مردم و انتخاب های صحیح آنان تأثیر خواهد داشت.

این مهم با توجه به تلاش برخی افراد و جریان های استحال شده و گرفتار در نگاه غربزده که در پی تضعیف و کوچک نشان دادن الگوی ممتاز، پیشرونده و تأثیرگذار حکومت مردم سالار دینی هستند، اهمیت مضاعفی پیدا می کند

اینک ضرورت دارد شما مرزداران مرزهای فکری و اعتقادی مردم در ارتباطات اجتماعی و چهره به چهره و سخنرانی در مساجد، مدارس و مجالس به این موضوع پرداخته و مردم خصوصاً نسل جوان را در برابر این تهاجمات مسموم اعتقادی و فرهنگی واکسینه و تقویت نماید.



* اول ماه جمادی الأولى

مناسبت: انتشار حکم تحریم تنباکو توسط فقیه مجاهد آیت الله میرزای شیرازی «ره» و روز قبل از راهپیمایی ۲۲ بهمن ماه.

موضوع: حق ولایت و حاکمیت در عصر غیبت.

قال امام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ، وَ اضْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ، فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ ظَاهِرُونَا؛

ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز این بود، گرفتاری‌ها به شما روی می‌آورد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کردند. از خدا بترسید و ما را پشتیبانی کنید.

نکته‌ها

● امام واسطه‌ی فیض الهی و رابط میان عالم مادی و ربوبی است.

● حضرت سجاد (علیه السلام) می‌فرمایند: از روزی که خداوند متعال آدم را خلق کرد تا کنون هیچگاه زمین از حجت خدا خالی نبوده است ولی آن حجت گاهی ظاهر و مشهود بوده است و گاهی پنهان و غایب و زمین تا قیامت از حجت خدا خالی نخواهد ماند. ۲

۱- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۲- ینابیع الموده، ج ۲، ص ۲۱۷.

● طبق احادیث شریف، حجت الهی همیشه روی زمین هست و مردم دوره‌ی غیبت، از حیث مکلف بودن به تکالیف اسلامی، با مردم دوره‌ی حضور امام، هیچ فرقی ندارند و از آنجایی که اسلام دین کاملی است و کامل بودن آن هم به این معنا است که در همه زمینه‌های زندگی بشر اعم از زندگی شخصی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جنبه الهی زندگی بشری دارای برنامه می‌باشد حتی جزئی‌ترین مسائل روزمره هم از نگاه اسلام دور نمانده است؛ اما سؤال اینجاست که در عصر غیبت، شیعیان تحت ولایت و اوامر چه کسی باید باشند؟ آیا به حال خود رها شده‌اند؟

● از نظر عقاید شیعه مسئله‌ی حکومت در عصر حضور ائمه کاملاً روشن است و تردیدی در مشروعیت الهی حکومت معصوم (علیه السلام) و نفی مشروعیت حکومت‌های دیگر و طاغوتی بودن آنان نیست، اما در زمان غیبت چطور؟

● از امام زمان (علیه السلام) سؤال می‌شود که در زمان غیبت مردم به چه کسی رجوع کنند آن حضرت (علیه السلام) در توقیع شریف خود می‌فرمایند: وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاهِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ... ۳؛ اما حوادثی که اتفاق می‌افتد، درباره آن‌ها به راویان حدیث ما رجوع کنید! زیرا آن‌ها حجت من بر شمايند و من حجت خدا بر



آن‌ها هستیم.

● طبق دستور حضرت ولی عصر علیه السلام در عصر غیبت باید فردی حکومت اسلامی را عهده‌دار باشد که از هر جهت شباهت بیشتری را نسبت به امام علیه السلام داشته باشد و از آنجا که فقیه تسلط بر منابع دینی و گفتار ائمه علیهم السلام در زمینه های مختلف از جنبه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حتی شخصی را دارد و عمری را صرف مجاهدت با نفس و دور شدن از گناه و نزدیک شدن به خدا نموده است، امین ترین فرد برای اداره حکومت و اجراء شدن احکام اجرایی اسلام را دارد و نزدیکترین فرد از جهت علم به دستورات اسلامی و سجایای اخلاقی به امام معصوم علیه السلام می‌باشد.

● لذا اطاعت از نایبان بر حق امام زمان (مراجع معظم تقلید و در رأس آنان ولی فقیه) و همراه و هم‌گام بودن صادقانه با آنان، راز بقا و استواری شیعه در طول دوران غیبت امام معصوم علیه السلام بوده است.

● نمونه یکی از این همراهی‌ها و همگامی‌ها با نایب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در قضیه انتشار تحریم تنباکو توسط فقیه مجاهد حضرت آیت الله میرزای شیرازی بود که مردم با اطاعت از ولی فقیه وقت، پیروزی بزرگی را به دست آوردند و در همان حال اهمیت جایگاه فقها در بین مردم بیش از پیش آشکار شد.

● زمانی که مرحوم آیت الله سیدحسن مدرس،

طلبه جوانی بودند، به سامرا می روند و با مرحوم میرزای شیرازی ملاقات می کنند؛ بعد از این که میرزای شیرازی از نام و نشان شهید مدرس می پرسد و می فهمد که اهل اصفهان ایران است، از اوضاع و احوال ایران از او می پرسد که شهید آیت الله مدرس در پاسخ مرحوم میرزای شیرازی، می گوید: فتوای شما در ایران غوغا به پا کرده و همه مردم حتی در قصر ناصرالدین شاه قلیان ها را شکستند؛ بعد از این که میرزای شیرازی این سخنان را از شهید آیت الله مدرس می شنود شروع به گریه می کند؛ شهید آیت الله مدرس از ایشان می پرسند که چرا گریه می کنید من فقط واقعیت های ایران را عرض کردم! میرزای شیرازی در پاسخ به شهید آیت الله مدرس می فرمایند من از اهمیت دادن مردم به سخن عالمان دینی ناراحت نیستم، بلکه گریه و ناراحتی من به این دلیل است که دشمنان اسلام که تا کنون نمی دانستند قدرت اسلام در کجاست، از امروز فهمیدند؛ و از این رو از همین امروز برای شکستن قدرت اسلام کار می کنند.

● مراجع تقلید و علمای دین در طول تاریخ شیعه، به خاطر پایگاه مردمی و نفوذ کلام و اندیشه و تفکرشان در میان مردم، همواره قدرتی انکار ناپذیر بوده اند و دشمنان اسلام ناب برای تضعیف و تخریب این جایگاه رفیع و پایگاه قوی از هیچ اقدامی دریغ نمی کنند، امروز نیز اطاعت و همراهی اهمیتی مضاعف دارد و ما

باید با بصیرت دینی طبق منویات و رهنمودهای دل
نواز و فطرت بر انگیز امام عظیم الشان و رهبری امین
و فرزانه انقلاب در همه‌ی عرصه‌های انقلاب اسلامی
همچون راهپیمایی‌ها، انتخابات و... حضوری فعال و
مؤثر داشته باشیم.

* دوم ماه جمادی الأولى

مناسبت: مصادف با روز ۲۲ بهمن ماه، سالروز پیروزی انقلاب اسلامی.

موضوع: راهپیمایی از مصادیق تعظیم شعائر الهی

وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ۚ

و هر کس شعائر (دین) خدا را بزرگ و محترم بشمارد، این بزرگ شمردن از صفت دل‌های با تقواست (دلی تقوا پیشه دارد).

نکته‌ها

● «شعائرالله» به معنای علامتی ظاهری است که یاد خدا را در جانها تثبیت می‌کند.

● لزوماً مصادیق شعائر منحصر در مناسک حج که در آیات الهی آمده است، نمی‌باشد؛ بلکه شامل اموری است که علامتی حسی و عینی برای تثبیت یاد حق در قلب‌ها است؛ و می‌توان دامنه شعائر الهی را توسعه داد؛ همانگونه که در لسان روایات چنین توسعه‌ای مشاهده می‌شود.

● تمام آنچه در برنامه‌های دینی وارد شده و انسان را به یاد خدا و عظمت آئین او می‌اندازد شعائر الهی است و بزرگداشت آن نشانه تقوای دل‌ها است.

● شعائر، از امور اجتماعی می‌باشد و به همین سبب،



مضرات بی توجهی به شعائر و منافع تعظیم شعائر به طور مستقیم متوجه جامعه می‌شود.

● از ظاهر این آیه چنین برداشت می‌شود که تعظیم شعائر در نزد خداوند عزوجل، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا با تقوای درون و صفای جان، ارتباط مستقیم دارد و از آن برمی‌خیزد.

● علیرغم اینکه برخی افراد سست عنصر، فریب خورده و یا مفسد، با تفکرات انحرافی و اقدامات فتنه گرانه خود، شأن و جایگاه این انقلاب را حفظ نکردند و جزء ریزش‌های انقلاب شدند اما واقعیت این است که پیروزی انقلاب اسلامی موهبتی الهی است که نصیب یکایک ما شده است.

● حضور در راهپیمایی یوم الله ۲۲ بهمن ماه و تجدید بیعت با آرمان‌های امام راحل و شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی، از جمله مصادیق تعظیم شعائر دینی می‌باشد؛ حضور در این نوع برنامه‌ها و به نمایش گذاشتن همبستگی و آمادگی خود برای مقابله با بدخواهان داخلی و خارجی ایران اسلامی در ابعاد جهانی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و دینی از اهمیت زیادی برخوردار است و نشانه تقوای دل است.

* سوم ماه جمادی الأولى

موضوع: کیفرهای معنوی گناه.

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ «۳۱» كَلَّا
بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ «۴۱» ۵

هنگامی که آیات ما بر او تلاوت شود، می‌گوید: اینها افسانه‌هایی است که مردمان نخستین ساخته و پرداخته‌اند. نه، (این حرفها بهانه است)، علت اصلی تکذیبشان این است که در اثر اعمال زشت و گناه دل‌هایشان زنگار بسته از این رو حق را در نمی‌یابند.

نکته‌ها

● نفس انسان به حسب طبیعتِ اصیلش دارای صفا و جلا است که حقیقت را درک می‌کند، حق و باطل، تقوا و فجور را متمایز از هم می‌بیند.

● قلب انسان، مرکز دریافت حقایق و رهنمودهای الهی و محل پیدایش گرایش‌ها و اعتقادات است.

● امام محمد باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: هیچ بنده‌ای نیست مگر آنکه قلبش سفید است. با انجام هر گناه، در آن سفیدی نقطه‌ی سیاهی پدید می‌آید و اگر توبه کند، آن سیاهی محو می‌شود و اگر اصرار بر گناه کند، سیاهی توسعه یافته و تمام سفیدی قلب را فرا می‌گیرد و دیگر انسان به خیر و سعادت بر نمی‌گردد. ۶ ● خداوند متعال در قرآن کریم گروهی از انسان‌ها را



نابینا و مرده می‌نامد! در واقع همان گونه که چشم برای دیدن اشیا است، دل هم برای درک حقیقت است و اگر انسان حقیقت را درک نکند کور است و فقط مرده‌ای است که در بین زنده ها حرکت می‌کند.

● از مهم ترین عوامل کوری دل و انحراف از راه حق که مربوط به خود فرد می‌باشد عبارتند از: پیروی از هوای نفس (نفس اماره)، دلبستگی و حبّ به دنیا، پیروی از وساوس شیطانی (خواه شیطان جنی باشد یا انسی)، جهل، غفلت، پندارگرایی باطل (به بیان دیگر تکیه بر ظن و گمان به جای علم و یقین) می‌باشند، اینها باعث می‌شود که بر دل انسان زنگار بنشیند و چشم دلش نابینا گردد و ترازوی سنجش عقلش توازن خود را از دست بدهد و سرانجام حق را نبیند یا وارونه بیند.

● معصیت و گناه باعث می‌شود که انسان از نور ایمان و حکمت محروم شود و به انحراف دل گرفتار شود که همان بد منظر دیدن خوبیها (از اوامر و ارزش‌های الهی دیگر خوشش نمی‌آید) و خوش منظر دیدن بدیهاست. (از ضد ارزش ها و مفسد خوشش می‌آید).

● انسان با ادامه گناه، لحظه به لحظه در تاریکی روحی بیشتری فرو می‌رود و به جایی می‌رسد که گناهان، به صورت حسنات در نظرش جلوه می‌کند و گاه آدمی به گناهانش افتخار می‌کند و به تکذیب آیات حق می‌رسد و راه توبه و استغفار را بر خود می‌بندد در این مرحله، راه های بازگشت به روی او بسته می‌شود و این خطرناک ترین حالت ممکن برای یک انسان است.

● این آیه و آیات بسیاری از قرآن، گویای این حقیقت است که گناه، دل را تاریک می کند؛ این بدترین اثر گناه است که نور علم و حس تشخیص را از میان می برد و قلب را به باتلاق متعفن می مبدل می کند. در این حال، انسان راه و چاه را تشخیص نمی دهد و مرتکب اشتباهات عجیبی می گردد که همه را حیران می کند.

● انسان تا آخر عمر در معرض این خطر بزرگ قرار دارد و هر لحظه بیم انحراف وجود دارد و باید از خدا مدد خواست تا انسان را به حال خودش وانگذارد و در دعاها روح افزای امامان، از این نکته، بسیار یاد شده است. خودشان از خدا مصونیت می طلبیدند و دیگران را به آن سفارش می نمودند. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: زیاد بگویید بارالها دلهای ما را بعد از آنکه هدایت کردی منحرف نکن «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»^۷ و هیچ گاه از انحراف دل ایمن نباشید.



* چهارم ماه جمادی الأولى

مناسبت: شب میلاد حضرت زینب کبری (علیها السلام)

موضوع: فضایل و ویژه گی های حضرت زینب (علیها السلام)

نکته ها

● سومین فرزند حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در پنجم جمادی الأولى سال پنجم هجرت در مدینه منوره به دنیا آمدند. ایشان که از هر جهت با شخصیت بزرگ علی (علیه السلام) سازگار و زینت پدر بودند، «زینب» نام گرفتند.

● حضرت علی (علیه السلام) آن مربی کامل بشریت، در تربیت فرزندان خویش از روش های کار آمد تربیتی بهره می گرفتند. حضرت در فرصت های مناسب و با شیوه های متنوع به اصحاب خود می آموختند که مهمترین نیاز کودک، رفع نیاز عاطفی است. محبت، نوازش و احترام به شخصیت کودک، نگرانی ها، افسردگی ها و مشکلات روحی و روانی کودک را از بین می برد و فرزندان را به زندگی آینده امیدوار می سازد. امیر مؤمنان (علیه السلام) با فرزندان خود ارتباط عاطفی و کلامی برقرار می کردند، حرف دل آنان را می شنیدند و برای سخنان شان ارزش قائل می شدند و به این وسیله روحیه اعتماد به نفس و عزت را در وجود فرزندان خود پرورش می دادند.

● حضرت زینب (علیها السلام) از جمله زنان بسیار بافضیلتی که در تاریخ اهل بیت (علیهم السلام)، بعد از حضرت زهرا (علیها السلام) به عنوان

تندیس زنده فضایل شناخته شده است.

● زینب کبری (علیها السلام) در صبر و بردباری، زهد و تقوا، اخلاص و مدیریت و تدبیر و فصاحت و بلاغت و... بی نظیر بودند. بی تردید در شرایط سخت کنونی اگر بانوان جوامع اسلامی سیره عملی و اوصاف اخلاقی شیرزن کربلا را الگو و اسوه خود قرار دهند، روز به روز ارزش‌ها و فضایل آنان شکوفاتر خواهد شد و بی شک در صورت تحقق چنین مهمی زمینه سعادت دنیا و آخرت برای مسلمانان مهیا خواهد شد.

● برترین درجه علم، علمی است که از ذات الهی به انسان افاضه می‌شود که به تعبیر قرآن مجید، علم «لَدُنِّي» نام دارد: «وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»^۸، «علم فراوانی از نزد خود به او (حضرت خضر) آموختیم». حضرت زینب (علیها السلام) به شهادت امام سجاد (علیه السلام)، دارای چنین علمی بودند که خطاب به عمه‌اش فرمودند: «أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ وَفَهِيْمَةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ»^۹

● حضرت زینب (علیها السلام) یکی از کسانی است که مادرش را در ایراد خطبه دفاعیه در مسجد مدینه همراهی کرده است و از آن درس‌ها آموخته، تجربه‌ها اندوخته و امانتی گرانبها و میراثی جاویدان برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشته است. عده ای از تاریخ نگاران و محدثین نامدار، سند خطبه فدک را از این بانوی بزرگوار نقل

۸ - کشف، ۶۵.

۹ - سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۵۸.



کرده اند.

● ارزش روایات نقل شده از حضرت زینب (علیها السلام) فراتر از روایاتی است که راویان دیگر نقل کرده‌اند، زیرا این بانوی بزرگ خود عالمه‌ای غیر معلمه بود و روایاتی را که نقل می‌کرد، بی هیچ شبهه‌ای، معتبر و مستنداند. حتی روایت‌هایی که در سنین کودکی از ایشان نقل شده‌اند. این بانوی بزرگوار که پنج سال قبل از وفات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به دنیا آمد، از مادرش حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) پدرش حضرت علی (علیه السلام)، اسماً بنت عمیس، و ام ایمن روایت نقل می‌فرمودند.

● حضرت زینب کبری (علیها السلام) هم برای زنان جامعه اسلامی الگوی برتر هستند و هم برای مردان و خصوصاً مسئولان و سیاستمداران جامعه اسلامی الگوی بی‌نظیری هستند، شکوه و عظمت و سربلندی بزرگ‌بانوی خردمند بنی‌هاشم در برابر قدرت طاغوتی و استکباری ابن‌زیاد، از توان ایمان به خدا و آرامش سرچشمه گرفت. حضرت در برخورد خود با ابن‌زیاد نشان دادند مؤمن هر چند در اسارت باشد یا در تحریم باشد، هیچ گاه در برابر دشمن هر چند قوی و قدرتمند سر ذلت فرو نخواهد آورد. چه چیز سبب شد زینب کبری (علیها السلام) در عین روبه‌رو شدن با آن همه مصایب در پاسخ ابن‌زیاد که سؤال کرد «کار خدا را با اهل بیت خود چگونه یافتی؟» فرمودند: مشکلات، مصیبت‌ها و سختی‌هایی که در راه

خدا دیدم، همه برایم زیبا بود!

● خداشناس حقیقی خود را بنده حق می‌داند و سربلندی خود را در گرو انجام وظیفه الهی خود می‌بیند. این جهان‌بینی مؤمن است که هر آنچه از سوی خدا به او می‌رسد، همه را خیر و زیبا می‌بیند زیرا که خداوند برای بندگان‌ش جز خیر نمی‌خواهد و این نگرشی توحیدی و زیبا به تمام پدیده‌های جهان هستی است.





* پنجم ماه جمادی الأولى

مناسبت: روز میلاد حضرت زینب سلام الله علیها
و روز پرستار.

موضوع: وظیفه سنگین و ارزشمند پرستاری.

نکته‌ها

● روز ولادت باسعادت بانوی قهرمان کربلا، حضرت زینب کبری (علیها السلام) روز پرستار نامیده شده است و علت نام گذاری این روز به نام «روز پرستار» این است که حضرت زینب، در کنار این که رسالت مهم نگهداری و تبلیغ از نهضت حسینی را به خوبی انجام دادند؛ پرستاری امام زمانش حضرت زین العابدین (علیه السلام) و دیگر بیماران و مصیبت زدگان اهل بیت را برعهده داشتند؛ نام گذاری این روز فرخنده به نام روز پرستار یک جهتش تجلیل از مقام شامخ و شخصیت والای حضرت زینب (علیها السلام) است که با برگزاری این مراسم یادی از این بزرگ بانو می‌شود و باعث الگو سازی در جامعه می‌شود. جهت دوم نیز تقویت روحیه زینب گونه در میان پرستاران محترم و تقدیر و تشکر از زحمات و نقش پرارزش آنان در جامعه می‌باشد.

● تأکید اسلام بر بزرگداشت کار پرستاری و سفارش به انجام آن، باعث شده بود که بسیاری از اصحاب رسول خدا اعم از زن و مرد، به این کار اهتمام ورزند. «نسیبه» یکی از زنان صدر اسلام است که با پیامبر (صلی الله علیه و آله) بیعت

نمود. او بیشتر روزها روزه‌دار بود و از عبادت خداوند غفلت نمی‌ورزید. این زن شجاع و با شهامت، در جنگ‌های احد، حنین، حدیبه و یمامه شرکت داشت و همیشه مشکی بر دوش داشت و خورجینی نیز در برداشت و هر جا تشنه‌ای می‌یافت و یا ناله مجروحی را می‌شنید، بی‌درنگ بر بالینش حاضر می‌شد. وظیفه او، رساندن آب به سربازان و نیز مداوای زخمیان بود.

● پرستاری وظیفه سنگین و ارزشمندی است و پرستار متعهد باید با صبر و حوصله، برای انجام خدمتش هر نوع ناملایمتی را تحمل نماید و چنین کاری از عهده هرکسی برنمی‌آید.

● در فرهنگ اسلامی و تعبیر قرآنی، آن هنگام که پرستار برای یاری انسان نیازمندی تلاش می‌کند و برای جلب رضای پروردگار نیازهایش را برمی‌آورد، مثل آن است که او را از مرگ رهایی می‌بخشد و با این کار، موجبات خرسندی خداوند را بدست می‌آورد.

● پرستاران خدوم و پر تلاش ما وظایف سنگینی به عهده دارند و در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی با الگو قرار دادن پرستار بزرگ صحرای کربلا، با تقویت روحیه مجروحان و خانواده شهیدان، رسیدگی به مجروحان و بازماندگان و کمک به اطفال، نقش مهم خود را به نمایش گذاشتند.



* ششم ماه جمادی الأولى

موضوع: راه‌های غلبه بر مشکلات و رسیدن به موفقیت. (۱)
وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى
الْخَاشِعِينَ ۱۰

و(در کارهایتان) از صبر و نماز کمک بگیرید و این دو،
کاری دشوارند، مگر برای اهل خشوع و خداترسان.

نکته‌ها

● همه ما در طول مدت زندگیمان با مشکلات
متفاوتی روبرو می‌شویم، آنچه مهم است این است
که باید بدانیم در مقابله با مشکلات چه باید بکنیم
تا دچار تحیر و سرگردانی نشویم؛ برخی افراد در مواقع
مواجه با مشکلی سعی می‌کنند از مشکل فرار کنند
تا از پذیرفتن واقعیت بگریزند. در واقع فرار از مشکلات،
بدترین کاری است که صورت می‌پذیرد.

● برخی از مشکلات و دشواری‌ها به گونه‌ای است که
انسان حتی با عقل جمعی و مشاوره با دیگران چون
استادان آگاه و کارشناسان نمی‌تواند راهی برای بیرون
آمدن از آن بیابد. و یا گاهی اصلاً نمی‌شود مشکل
خود را با دیگران مطرح کند؛ انسان در این حالت‌ها
از همه کس و همه چیز ناامید می‌شود و همه درها را
به سوی خود بسته می‌بیند.

● حال آیا رابطه‌ای بین مذهب، معنویت و بوجود

نیامدن مشکل و یا حل مشکلات وجود دارد؟

● روش مواجهه صحیح با مشکلات چیست؟ و قرآن در

این زمینه چه برنامه ای دارد؟

● خداوند متعال که بر احوال انسان و اسرار جهان

هستی آگاه است در قرآن برای غلبه بر مشکلات،

گرفتاری‌ها و پیشرفت و پیروزی، راهکارهایی را بیان

می فرماید.

● برخی از راه حل‌های قرآنی برای تقویت و نیرومند

سازی درونی انسان است و برخی بیرونی و توجه به

تکیه‌گاه محکم بیرونی است.

● یکی از راهکارهای قرآنی که در سوره بقره آیه ۴۵

به آن اشاره شده است، استعانت و کمک گرفتن از صبر

و نماز است.

● خداوند متعال می‌فرماید: «وَاسْتَعِينُوا» یعنی کمک

بگیرید؛ استعانت به معنای مدد جستن در جایی است

که انسان به تنهایی نمی‌تواند از عهده مشکلات

برآید. ۱۱

● از صبر، استعانت و کمک بگیرید؛ صبر یعنی

خویش‌تنداری، استقامت و ایستادگی، شکستن در برابر

مشکلات، آرام بودن و احساساتی نشدن.

● صبر، یکی از برترین صفات و رفتارهای اخلاقی

است، آثار و منافع بسیار زیادی دارد و مانع احساساتی

شدن و تصمیم‌گیری عجولانه که باعث پشیمانی در



آینده است، می شود.

● صبر، هم برای مواجهه صحیح با مشکلات و گرفتاریها و هم برای رسیدن به موفقیت و پیروزی کاربرد دارد. وقتی ما زندگی انسان های بزرگ را مطالعه می کنیم، می بینیم که آنها در نتیجه همین صبر و استقامت به قله عظمت و جایگاه های بلند رسیده اند.

● صبر سه گونه است: صبر به هنگام مصیبت و گرفتاری و مشکلات، صبر بر طاعت و بندگی خدا، و صبر در وقت گناه و باز داشتن خود از گناه و صبر کردن؛ درجات و نتایج صبر در هر قسمی متفاوت است. ● صبر، موجب تربیت و تکامل نفس می شود. اگر

انسان به خاطر فرمان خداوند مدتی در پیشامدهای ناگوار و حوادث روزگار و در سختی عبادات و مناسک و تلخی ترک لذات گناهان، صبر کند؛ کم کم، اراده او قوی و تربیت می شود و سختی تحمل مشاق و مشکلات بر آن آسان می شود؛ صبر در معاصی منشأ تقوای نفس می شود، و صبر در طاعات منشأ انس به خداوند می گردد، و صبر در حوادث و بلاها منشأ رضا به قضای الهی می شود.

● علت کمک گرفتن از صبر، این است که صبر، هر بلا یا حادثه عظیمی را کوچک و ناچیز می کند و در هر کاری اگر انسان با استقامت و پشت کار وارد شود و از حوادث و پیشامدها از میدان در نرود، موانع را یکی پس از دیگری پشت سر می گذارد و موفق می شود؛ از

این رو گفته شده: «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْجِ» ۱۲

● یکی از اموری که در توفیق یافتن انسان دخالت زیادی دارد و شرط موفقیت در کارها مخصوصا در کارهای بزرگ است، حوصله و صبر است. کم حوصلگی و کم صبری مانع است که انسان در یک کار مفید که متناسب با استعداد اوست مداومت کند، همه کارها را ناقص می‌گذارد و دائما از این کار به آن کار رو می‌آورد و در نتیجه هیچ کاری را به طور کامل انجام نمی‌دهد. بسیاری افراد دیده شده‌اند که استعداد یک کار علمی یا فنی و صنعتی یا ادبی و ذوقی را تا حد نبوغ دارند ولی در اثر کم صبری، هیچ کار را به طور کامل انجام نمی‌دهند.

● صبر انسان را به موفقیت می‌رساند، بهشتی می‌کند اما در نقطه مقابل، بی صبری، افسوس و پشیمانی و هلاکت را به دنبال دارد.



* هفتم ماه جمادی الأولى

موضوع: راه‌های غلبه بر مشکلات و رسیدن به موفقیت. (۲)
وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى
الْخَاشِعِينَ ۱۳

و (در کارهایتان) از صبر و نماز کمک بگیرید و این دو،
کاری دشوارند، مگر برای اهل خشوع و خداترسان.

نکته‌ها

● یکی دیگر از عواملی که قرآن برای غلبه بر مشکلات
و کسب جایگاه رفیع معرفی می‌کند، نماز است «وَاسْتَعِينُوا
بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ».

● هر چه انسان در برابر خدا بیشتر اظهار عجز و
بندگی کند، امدادهای او را بیشتر دریافت می‌کند.

● نماز و راز و نیاز با پروردگار، نیروی تازه‌ای در انسان
ایجاد می‌کند و به افراد برای رویارویی با مشکلات
نیرو می‌بخشد.

● قرآن کریم وقتی سخن از نماز به میان می‌آورد،
می‌فرماید:

«نماز بخوانید تا یاد مرا زنده کنید» ۱۴ اگر یاد خدا
به وسیله نماز ظهور کرد، قلب مطمئن و آرام می‌شود.
کسی که دلش با یاد خدا مطمئن و محکم است،
آرامش روحی و سلامت روانی دارد و هیچ هراسی از غیر

۱۳ - بقره، ۴۵.

۱۴ - طه، ۱۴.

خدا ندارد و امیدوار و آرام است؛ چون متکی به قدرت و عظمت الهی است و انوار الهی در درونش رسوخ کرده و یاد خدا عامل طمأنینه او شده است.

● نماز نه تنها یکی از عوامل غلبه بر مشکلات می‌باشد، بلکه موجب پیشگیری از بسیاری از مشکلات شخصی و اجتماعی است؛ زیرا مهمترین اثر نماز از منظر قرآن بازدارندگی از فحشا و منکر است. نماز، انسان را به یاد حضور خداوند می‌اندازد، و بهترین بازدارنده از کارهای ناشایسته و مشکلات بعدی آن می‌باشد.

● این بازداری بسته به رعایت شرایط نماز و کیفیت اقامه آن، دارای مراتب است. هر چه روح نماز بیشتر بر زندگی حاکم باشد، این نقش «پیشگیری و غلبه بر مشکلات» قوی تر خواهد بود.

● نماز با توجه و حضور قلب موجب تخلیه افکار منفی و پالایش روانی می‌شود و در نتیجه باعث سلامت روحی و آرامش روانی می‌گردد.

● نماز اثری مثبت و سازنده در زندگی مادی و معنوی و پیشرفت اجتماعی دارد.

● در کتاب «کافی» از امام صادق (علیه السلام) روایتی نقل گردیده است، هنگامی که مشکل مهمی برای امام علی (علیه السلام) پیش می‌آمد به نماز بر می‌خاست.

● ابو علی سینا، حکیم ایرانی، که باعث افتخار مشرق زمین است، در این باره نیز چنین گفته است: هرگاه در مسئله‌ای از مسائل، به مشکلی برخورد می‌کردم و در



حل آن حیران می شدم، وضو می گرفتم و به مسجد جامع شهر می رفتم، دو رکعت نماز به جا می آوردم و از خالق بی همتای دانا و توانا استمداد می کردم، پس از نماز و بیرون آمدن از مسجد به نحوی به من الهام می شد و آن مشکل به آسانی برایم حل می گردید.

● نماز انسان را به قدرت لایزال الهی پیوند می دهد و به انسان آرامش و قدرت تمرکز می دهد تا مقابله با مشکلات برای او آسان و راه برون رفت از مشکلات هموار گردد؛ همین احساس سبب می شود که انسان در برابر حوادث نیرومند، آرام و عقلانی برخورد کند.

● تحقیقات نوین نشان می دهند افرادی که بیشتر مذهبی هستند، در برابر مشکلات زندگی که با آن مواجه هستند، مقاوم ترند و بنابراین کمتر به راه حل های افراطی که موجب می شود خود را گم کنند، پناه می برند. ۱۵

● علامه طباطبایی رحمته الله علیه می فرماید: «انسان می تواند با این دو نیرو به جنگ مشکلات و حوادث سخت رفته و پیروز شود. که خداوند با صابران است، وقتی انسان در میان مشکلات متعدد و حوادث ناگوار محدود

۱۵ - مطالعاتی توسط مرکز ملی اعتیاد و سو؛ مصرف مواد (کاسا-CASA) در دانشگاه کلمبیا انجام شده است. مشخص شده کسانی که هرگز در مراسم مذهبی شرکت نکردند، هشت برابر بیشتر از کسانی که هر هفته در مراسم مذهبی شرکت می کنند مواد مخدر استفاده می کنند.

و محاصره می‌شود اگر به قدرت نامحدود الهی متصل نباشد سرکوب می‌شود. انسان مرتبط با خدا در حوادث و سختی‌ها خود را نمی‌بازد و مشکلات در نظرش کوچک جلوه می‌کند. ۱۶

● نماز، در انسان ایجاد حرکت و صبر، ایجاد مقاومت می‌کند و هر پیروزی نیازمند دو عامل حرکت و مقاومت است، هنگامی که حرکت و مقاومت دست به دست هم دهند، مهم‌ترین عامل برای رسیدن به پیروزی به وجود خواهد آمد. ۱۷



* هشتم ماه جمادی الأولى

موضوع: خاشعین در نماز

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ۱۸

و(در کارهایتان) از صبر و نماز کمک بگیرید و این دو، کاری دشوارند، مگر برای اهل خشوع و خداترسان.

نکته‌ها

● کمک گرفتن از صبر و نماز توسط کسانی صورت می‌پذیرد که جزء خاشعین باشند؛ تا انسان خاشع نباشد نمی‌تواند به صلاه مسلح شود.

● خشوع در لغت خشیت و ترسی است آمیخته با تعظیم.

● از رسول خدا ﷺ پرسیدند: خشوع چیست؟ فرمودند: فروتنی در نماز و اینکه بنده با تمام قلبش متوجه خدا باشد. ۱۹.

● قرآن مجید یکی از ویژگی‌های مؤمنان رستگار را خشوع در نماز می‌داند و فرموده‌است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» ۲۰ به تحقیق رستگار شدند مؤمنان، آنان که در نمازشان خشوع دارند.

۱۸ - بقره، ۴۵.

۱۹ - بحار الانوار، ج ۸۱، صفحه ۲۶۴.

۲۰ - مؤمنون، آیات ۱ - ۲.

● امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به کمیل می فرمودند: ای کمیل! عبادت، تنها نماز خواندن و روزه گرفتن و صدقه دادن نیست. بلکه شأن (عبادت) این است که با قلب پاک و عمل مورد پسند خدا و خشوع راستین انجام پذیرد. ۲۱.

● وقتی مؤمن حالت خشوع قلبی پیدا کند، آثارش در بدن و اعضا و جوارحش ظاهر می شود و سراسر وجودش شیفته حق می گردد و جسم و جان در هر عبادتی، خشوعی هماهنگ با آن خواهد داشت. نکته قابل توجه این است که جسم و جان باید توأم با هم در برابر خدا خشوع و خضوع کند؛ زیرا خشوع قلب، خضوع اعضا و جوارح را نیز در پی دارد.

● حضرت امیر (علیه السلام) می فرمایند: «لیخشع لله سبحانه قلبک، فمن خشع قلبه خشعت جمیع جوارحه» ۲۲ باید قلبت برای خدای سبحان خاشع شود و کسی که قلبش خاشع شد همه اعضایش خاشع می شود.

● قرآن می فرماید: نماز جز بر خاشعان سنگین است چه کنیم خاشع باشیم تا نماز بر ما سنگین نباشد؟

● پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «علامت خاشع چهار چیز است: مراقبت از نفس در پنهانی و آشکارا، انجام دادن کارهای پسندیده و نیک، تفکر در روز قیامت و با

خدا مناجات کردن «۲۳»

● رسیدن به خشوع در پرتو اموری است مثل:

(الف) یاد مرگ و قیام؛

(ب) شناخت هدف خلقت؛

(ج) درک مقام عبودیت؛

(د) شناخت قدر و ارزش انسانی؛

(ه) توسل به امام زمان (علیه السلام)؛

(و) ترک کارهای بیهوده؛

(ز) مراقبت نفس و حساب بردن از خدا در نهان و آشکار؛

(ح) انجام دادن کارهای نیک؛

(ط) مناجات و راز و نیاز با خداوند.

* نهم ماه جمادی الأولى

موضوع: گفتار و اعتقاد پاکیزه.

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ... وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ؛ ۲۴

آیا ندیدی خدا چگونه مثال زده است؟ گفتار و اعتقاد پاکیزه مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است... و مثل کلمه ناپاک (که عقاید باطل و بی پایه است) مانند درخت ناپاک (آفت زده) است که از زمین ریشه کن می شود و هیچ قرار و ثباتی ندارد.

نکته‌ها

- در این آیه خداوند متعال، مطالب مهمّ عقلی را که شاید درک آن برای همگان دشوار باشد، در قالب مَثَل بیان می کند تا فهم آن آسان گردد.
- اعتقاد پشتوانه‌ای محکم و بنیادین برای سخن و عمل است، ریشه گفتار و عمل پاکیزه در اندیشه و باورهای صحیح وجود دارد و عقیده‌ی نادرست به گفتار و عمل نادرست منجر می شود.
- خداوند یک اصل پاک و یک عقیده پاک را چنین مثل می زند، به یک درخت پاک، یعنی مانند یک



درخت پاک است، درخت پاکیزه ای که ریشه‌اش در زمین است و شاخه‌اش بر آسمان، درختی است پرمیوه و ثمربخش و همیشه بهار و میوه‌اش همیشگی و همه فصل است.

● کلمه طیبه مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد در روایات و تفاسیر از چند چیز به عنوان مصداق کلمه‌ی طیبه یاد شده است: توحید، ایمان، عقاید صحیح، رهبران آسمانی و یاران آنان.

● با توجه به گستردگی مفهومی کلمه طیبه و تعدد مصادیق آن در قران و روایات می‌توان گفت مراد از «کلمه طیبه» که به «درخت طیبه» تشبیه شده، عبارت است از عقاید حقه‌ای که ریشه‌اش در اعماق قلب و در نهاد بشر جای دارد. اعتقاد به وحدانیت خدا، و استقامت بر آن، قول حقی است که دارای، اصلی ثابت است و به همین جهت از هر تغییر، زوال و بطلانی محفوظ می‌باشد. ۲۵

● کلمه‌ی طیب، اقدام درست، اقدام پاکیزه، اقدام برای خدا این‌جوری است، که این می‌ماند، در زمین ریشه می‌دواند، مستحکم می‌شود و ثمربخش خواهد بود. ۲۶

● شاخه‌های درخت طیبه عبارت است از فروع دین، اخلاق پسندیده، اعمال صالح؛ مؤمن، حیات طیبه خود را بوسیله اینها می‌سازد و به تمدن اسلامی می‌رسد.

● شجره‌ی طیّبه و درخت پاک آثاری دارد، مانند: رشد داشتن، پرمیوه بودن، سایه‌دار و پایدار بودن، در همه وقت ثمر دادن؛ انسان موّحد نیز هرگز راکد نیست و آثار ایمانش دائماً در گفتار و اعمالش آشکار است. اعتقادش دایمی است نه موسمی و همواره دیگران را به ایمان و معروف دعوت می‌کند. ۲۷

● هر کلمه حق و هر عمل صالحی، مَثَلش این مَثَل است، «اصلی ثابت و فروعی پر رشد و نما، و ثمراتی طیب و مفید و نافع دارد.» ۲۸

● اما مقصود از کلمه خبیثه شرک به خدا است که به درخت خبیثی تشبیه شده، که از جای کنده شده باشد، و در نتیجه اصل ثابت و قرار و آرام و خلاصه جای معینی نداشته و چون خبیث است، جز شر و ضرر اثر دیگری ببار نیاورد. ۲۹

● عقیده باطل مثل درخت پلیدی است که بی‌میوه و بی‌ریشه است. گاهی اوقات بوته‌هایی در بعضی جاها می‌روید که هیچ گونه ثمری ندارد و وقتی دقت می‌کنیم ریشه هم ندارد و لذا سست بنیاد است. همینکه مختصر نسیمی بوزد از جا کنده می‌شود و دور می‌افتد و مانند کف که نبودش زیاد است ولی بودش کم است. ناصر خسرو گفتگویی دارد بین بوته کدویی که در زیر درخت چناری روییده است و به سرعت هرچه تمامتر

۲۷- تفسیر نور.

۲۸ - ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۷۳.

۲۹ - ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص ۷۴.



رشد نموده و سراسر درخت چنار را فرا گرفت، و بین درخت چناری که سی سال از عمرش گذشته بود، بوته کدو در سر بیست روز خود را بر فراز درخت چنار جای داد و از چنار پرسید که تو چند روزه ای؟! چنار در جواب گفت عمر من بیش از سی سال است!! کدو به او خندید و گفت بین من که بیست روزه‌ام توانسته‌ام بیشتر از تو رشد کنم؛ چنار در جواب گفت:

بگذار بر من و تو وزد باد مهرگان

آنگه شود پدید که نامرد و مرد کیست!

آن هنگام که فصل خزان برسد و تندباد بوزد؛ آنگاه معلوم گردد که کدام یک از ما می تواند مقاومت کند!!

قرآن مجید می‌فرماید: ظاهر بین نباشید و باطل از آنجا که نمودش گاهی زیاد است و گاهی مغالطه آمیز خودشان را بی شمار معرفی می‌کنند و یا خودشان را جامعه جهانی معرفی می‌کنند، شما را گول زنند، بلکه بایستی عمیق تر نگریم. ممکن است مسلکی که تمام عمرش ۵۰ تا ۶۰ سال بیشتر نیست یک مرتبه چنان گسترش پیدا کند که به صورت ظاهر از مکتب حق که چهارده قرن از او می‌گذرد بیشتر نمود داشته باشد. قرآن مجید می‌گوید باید صبر داشت و به انتظار وزیدن بادهای مخالف نشست. چهارده قرن بر اسلام گذشته و چه تندبادهای مخالف وزیده است و اما قرص و محکم بر سر جای خود ایستاده ولی اینگونه مسالک



است که به زودی دستخوش نشیب و فرازها می‌گردد
و از بین می‌رود.

● عقاید باطل همچون علفهای هرز، ریشه‌ای در
عمق زمین ندارد، زیرا پایه و مبنای درست ندارد. ۳۰





* دهم ماه جمادی الأولى

مناسبت: فتنه جنگ جمل.

موضوع: خطر فتنه‌گران در قرآن.

وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا... ۳۱

فتنه (شرک و آزار مسلمین) از کشتار بزرگتر است! و همواره (مشرکان) با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند شما را از دینتان بازگردانند، و هر که از شما از دینش برگردد و در حال کفر بمیرد، چنین کسانی عمل‌های نیکشان در دنیا و آخرت تباه می‌شود.

نکته‌ها

● قرآن به مسئله فتنه از جهات مختلفی پرداخته است؛ زیرا ارتباط تنگاتنگی با مسئله امنیت و آرامش فردی و اجتماعی شخص و جامعه دارد.

● «فتنه» در اینجا به معنای کاری است که سبب می‌شود مردم در عقاید حقه شک کنند و مضطرب شوند و در جبهه حق تردید کنند و نفهمند دین حق، اعتقادات صحیح و انتخاب درست کدام است. این کار از آدم‌کشی بدتر است؛ زیرا اگر مؤمنی را مظلومانه بکشند، به بهشت می‌رود و فقط زندگی مادی را از دست می‌دهد، اما وقتی دین مؤمنی دستخوش فتنه شود و وسایل شک و تردید در دینش فراهم گردد،

متزلزل می‌شود و گاهی، ایمان خود را از دست می‌دهد و وقتی بی‌ایمان شد، دیگر اهل نجات نخواهد بود. به یقین، ضرر این کار بیش از ضرر کشتن اوست. اگر او را می‌کشتند، فقط ضرر دنیایی داشت، ولی وقتی با فتنه دین او را بگیرند، ضرر ابدی دارد و این خطر بزرگ‌تر از قتل است.

● فتنه به سبب بازتاب‌ها و پیامدهای خطرناک آن در جامعه می‌تواند بدتر از کشتن شخص باشد؛ زیرا با اختلال در امنیت و نظم عمومی جامعه، امکان رشد و تعالی جمعی از جامعه گرفته می‌شود و جامعه در شرایط فقدان امنیت نمی‌تواند در مسیر شکوفایی و تعالی و رشد قرار گیرد. از این رو خداوند در این آیات فتنه انگیزی را بدتر از قتل دانسته است.

● فتنه‌ها گاهی با یک اعتراض ساده کلید می‌خورد. یعنی فتنه‌گران در ابتدا هدف نهایی خود را بیان نمی‌کنند. در فتنه جمل، ماجرا با اعتراض طلحه و زبیر شروع و با خارج شدن به بهانه عمره و تجمع در مکه و بیان اعتراض رسمی به حاکمیت امیر المؤمنین (علیه السلام) ادامه یافت. با فراهم آمدن زمینه‌ها همین اعتراضات، تبدیل به شورش و جنگی بزرگ شد.

● امروزه نیز این نوع فتنه‌گری‌ها در داخل جامعه اسلامی توسط منافقان و مفسدان سیاسی و حرام خواران اقتصادی با کمک و تبلیغات ماهواره‌ای دشمنان، طرح ریزی و اجرا می‌گردد؛ با ایجاد تشکیک و هجمه



علیه شورای محترم نگهبان، تحت فشار قرار دادن قوه قضائیه، تبلیغات سوء علیه بسیج مردمی، کارشکنی کردن علیه اقتصاد مقاومتی، درخواست از کشورهای غربی برای ایجاد تحریم اقتصادی و فشار اقتصادی بر مردم و... یکی از نمونه های بارز و آشکار آن، فتنه سال ۸۸ بود که با ایجاد رخنه های امنیتی در جامعه و تشویق دشمن به تحریم کشور، دنبال این بودند و هستند تا جامعه بخاطر تحریم اقتصادی و فشار مالی حاصل از آن، از ارزش های اسلامی و آرمان های انقلاب فاصله بگیرد و تسلیم فرهنگ شیطانی غرب شود.

● ایجاد شک و تردید در میان برخی به اصطلاح هنرمندِ ضعیف الایمان، خریدن آنان و سوء استفاده تبلیغی از مهاجرت و همکاری آنان با دشمنان ملت ایران و تشویق آنها به کشف حجاب و مسخره کردن احکام دینی و ارزش های اسلامی، نمونه دیگری از این نوع فتنه گری های دشمنان برای ایجاد تردید و تضعیف روحیه مردم مسلمان ایران می باشد.

● نظام های سیاسی و رجال بزرگ را باید از دشمنانشان شناخت، همچنان که از دوستان آنها؛ نوع سلوک سیاسی با این دشمنان و دوستان است که عیار نظام های سیاسی و سیاستمداران را نشان می دهد. این افتخاری است برای امیرمؤمنان علی (علیه السلام) است که بدنام ترین و فاسدترین و خیانت پیشه ترین چهره های سیاسی آن زمان در صف دشمنان او قرار گرفتند. امروزه نیز یکی

از افتخارات ملت ایران این است که آمریکای جنایتکار، صهیونیست‌های کودک‌کش و حامیان غربی آنها و آل سعود وهابی در صف دشمنان ما هستند.

● خداوند از مؤمنان می‌خواهد که منافقان را بشناسند و آنها را در صفوف خود به ویژه مراکز حساس کشوری جا ندهند و نگذارند آنان از امور پنهان آگاه شوند و به دشمنان خبر دهند. اصولاً حضور ایشان هرچند که به ظاهر مفید است ولی در عمل بسیار زیانبار است. اگر تخصص و توانایی دارند به سبب تعهد ایشان به دشمنان و کفار، هیچ بهره‌ای از این تخصص و توانایی ایشان، به امت و دولت اسلامی نمی‌رسد. بنابراین لازم است تا این فتنه‌گران منافق را از صفوف خودی بیرون کنند و به آنها اجازه بهره‌مندی از فرصت‌های به دست آمده در مکان‌ها و مسئولیت‌های مهم داده نشود. ۳۲

● شناخت و انتخاب افراد اصلح و معتقد به اسلام و انقلاب و رأی ندادن به افراد و جریاناتی که بیشتر از اینکه به وعده‌های الهی، به توانایی مردم و ظرفیت کشور اعتماد داشته باشند به غرب و فرهنگ شیطان‌ی غرب، متمایل هستند، یکی از مصادیق مبارزه علیه فتنه و فتنه‌گران می‌باشد.



* یازدهم ماه جمادی الأولى

مناسبت: ایام شهادت مظلومانه حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها بنا به روایت ۷۵ روز.

موضوع: اهمیت حسن خلق در سبک زندگی اسلامی.

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (عَلِیْهَا السَّلَامُ):

الْبُشْرُ فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ وَالْبُشْرُ فِي وَجْهِ الْمُعَانِدِ الْمُعَادَى يَقِي صَاحِبَهُ عَذَابَ النَّارِ؛ ۳۳
خوشرویی با مؤمن، موجب دستیابی به بهشت می شود
و خوشرویی نسبت به غیر مؤمن انسان را از عذاب آتش حفظ می کند.

نکته‌ها

● دین مقدس اسلام، همواره پیروان خود را به نرم خویی و ملایمت در رفتار با دیگران دعوت می کند و آنان را از درشتی و تندخویی باز می دارد.

● حسن خلق و گشاده رویی از برجسته ترین صفت هایی است که در معاشرت های اجتماعی، موجب جلب محبت می شود و در اثربخشی سخن فرد بر دیگران، اثری شگفت انگیز دارد.

● در اصطلاح اخلاقی و آموزه های دینی اسلام به کسی خوش اخلاق گفته می شود که با گشاده رویی،

زبانی ملایم و برخوردی شاد با مردم روبرو می‌شود، و در هر شرایطی این توانایی را دارد که با خوشروئی برخورد کند، لب‌هایی پر از تبسم، و کلماتی پر از محبت و لطف داشته باشد.

● خوش رفتاری مؤمنان با یکدیگر، یکی از ارزش‌های والای اخلاقی به شمار می‌رود.

● سیره پیامبر ﷺ اینطور بود که حتی با کافران و مجرمان نیز رفتار پسندیده‌ای داشتند. به این امید که ملایمت در آنان اثری سازنده داشته و در هدایت و نجات آنان مؤثر باشد و نرمی گفتار و رفتار سبب شود از عقیده باطل یا کار ناپسند خود، دست بردارند و اصلاح شوند.

● طبق روایات از آثار دنیوی حسن خلق، استحکام دوستی، آبادی سرزمین‌ها، وسعت روزی، افزایش طول عمر و ارتقای موقعیت اجتماعی است.

● از آثار اخروی حسن خلق، رسیدن به مراتب متعالی، آسانی حساب آخرت، آمرزش گناهان و جواز ورود به بهشت است.

● مزاح و شوخی کردن در چارچوب دینی، نوعی حُسن خلق است. ولی شوخی زیاد، مایه آبروریزی، ایجاد کینه، زوال نور ایمان و از بین برنده شخصیت آدمی است.

● یکی از مهم‌ترین کارهایی که در این زمینه باید تمرین کرد برخورد شاد است. سلام و احوالپرسی توأم با تبسم، دست دادن و گاهی که فاصله‌ها زیاد



می‌شود، معانقه همراه با صمیمیت و احترام، اولین فن مؤثر ارتباطی، به منظور تمرین خوش اخلاق بودن و همچنین جلب محبت دیگران است.

● در فرهنگ دینی ما، نسبت به سلام کردن، مصافحه، تبسم، احترام و ابراز محبت و علاقه قلبی سفارش و اهتمام فراوان شده است.

● برخی افراد به دلیل آگاهی نداشتن، حسن خلق و رفتار نیکو را با تملق و چاپلوسی اشتباه می‌گیرند. به همین دلیل، به ناحق، به مدح و ستایش صاحبان زور و زر می‌پردازند و در برابر آنان کرنش می‌کنند و شخصیت و ارزش والای انسانی خود را پایمال می‌کنند. اینان با کمال وقاحت، نام این رفتار ناشایست را حسن خلق و مدارا می‌گذارند. چنین افرادی وقتی به افراد عادی و تهی دست می‌رسند، گشاده رویی و نرم خویی را فراموش می‌کنند و چهره ای عبوس و خشن به خود می‌گیرند. این صفت ناپسند، نه تنها یک ارزش نیست، بلکه گناهی بزرگ است که موجب خشم خداوند می‌شود.

● حسن خلق، صفتی است که در برخورد با همه افراد، به گونه‌ای یکسان ظهور می‌یابد، ولی چاپلوسی تنها در برابر ثروتمندان یا قدرتمندان، نمود می‌یابد.

● از نظر اسلام، حسن خلق، هرگز به معنای بی اعتنایی در برابر گناه و منکر نیست. حسن خلق به این معنا نیست که اگر با منکری رو به رو شدیم، در برابر آن سکوت کنیم، لبخند بزنیم یا در برابر رفتار زشت

دیگران واکنش منفی نشان ندهیم؛ زیرا برخورد منفی و تند، زمانی ناپسند است که موضوع اهانت یا بی اعتنایی به دین و ارزش های والای آن در میان نباشد. بنابراین، رنجاندن نزدیک ترین افراد به انسان نیز اگر به دلیل حفظ ارزش های دینی و اخلاقی و پای بندی به آن باشد، نه تنها زشت نیست، بلکه در ردیف مهم ترین وظایف شرعی و از مراتب نهی از منکر است.





* دوازدهم ماه جمادی الأولى

مناسبت: ایام شهادت مظلومانه حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (علیها السلام) بنا به روایت ۷۵ روز.

موضوع: عمل خالصانه.

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ):

مَنْ أَصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ؛ ۳۴

هر کس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت ها و برکات خود را برای او تقدیر می نماید.

نکته‌ها

● اخلاص، معیار ارزش عبادات و اعمال است هر کس آن را به دست بیاورد، موهبتی الهی نصیبش شده است و به وسیله آن به مقامات بزرگی خواهد رسید.

● اخلاص نیت عامل اصلی پیروزی در دنیا و آخرت شمرده شده است؛ و هر عملی بدون اخلاص نیت، بی ارزش است.

● اخلاص دارای مراحل است و هر چه درجه اخلاص بیشتر باشد، عمل ارزش بیشتری نزد خدا پیدا می کند، به هدف و مقصد نزدیکتر شده و انسان را سریعتر به کمال مطلوب خود می رساند و هر چه درجه اخلاص کمتر باشد، به همان اندازه از ارزش عمل کاسته شده

و شخص از کمال مطلوب باز می ماند و به همین علت درجات مؤمنان در نزد خدا متفاوت خواهد می باشد.

● اخلاص به معنای خالص نمودن قصد و انگیزه برای خداست. نیت، زمانی برای خداوند خالص می گردد که انسان برای عبادت یا کار و تلاش خود، هیچ انگیزه ای جز خداوند نداشته باشد و هیچ عاملی جز تقرب و رضای خداوند او را به انجام عبادت و عمل وادار نکرده باشد.

● اگر عمل و رفتار با مسائلی همچون: حب مال، جاه طلبی، نام جوئی و تشخص، برتری طلبی در میان هموعان و... آلوده شود، انسان را به فرومایگی شخصیت و سقوط از ارزشهای والای انسانی سوق می دهد و خود وزر و وبالی بر دوش انسان خواهد بود.

● عمل خالص، چه عبادی مانند نماز و روزه باشد و چه اجتماعی مانند خدمت به خلق خدا، تنها در صورتی که مخلصانه انجام شود، مورد پذیرش پروردگار عالم قرار می گیرد.

● مخلصین کسانی هستند، که طاعات و عبادات و تمامی اعمال صالح خود را از هرگونه آلودگی و آمیختگی به غیر خدا خالص کرده اند، انگیزه ای جز تقرب به درگاه خدا ندارند. از این رو، فقط به خدا دل می بندند و تعریف و تکذیب دیگران، در نظرشان یکسان است و هدفشان از عبادت، کمک و هر عملی جلب رضایت خالق است نه کسی دیگر.



● برای رسیدن به اخلاص می توان دو راهکار نظری و عملی ارائه کرد.

● راهکار نظری برای رسیدن به اخلاص، کسب یقین است. درجات خلوص نیت مستقیماً به درجات معرفت ما از خدا بستگی دارد. هر چه آگاهی انسان از حقایق هستی بیشتر شود و به عظمت خالق و ناچیزی خود علم پیدا کند، اخلاص او بیشتر می شود.

● راهکار عملی، حساب کشی دقیق و پاسبانی از دروازه قلب است، باید با جدّیت کامل قلب خویش را از لوث شرک و ریا پاک کنیم تا ان شاء الله کارهایمان با اخلاص انجام شود. اگر نیتی جز رضای خدا نداشتید، و کار شما از ریا و خودنمایی خالص بود و طمعی از حیث دنیا و یا ترس از کسی جز خدا در کار شما دخیل نبود، بدانید که عمل شما مخلصانه انجام گرفته است، گرچه ممکن است گاهی انسان، کاری را به قصد ثواب، یا کسب بهشت الهی و حتی بر آورده شدن حاجتی، انجام دهد، که این منافاتی با اخلاص ندارد.

● اصلاح نیت، نیاز به تمرین و تلاش دارد و بدون «توجه»، حاصل نمی شود؛ «لحظاتی پیش از عمل» با احیای نیت و توجه به خدا می توان به عمل، ارزش اخلاقی و معنوی بخشید و آن را در فرایند کمال و سعادت سهیم گردانید و این درسی است که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در مبارزه با «عمرو بن عبدود» به ما می آموزد.

● اهمیت تلاش برای اصلاح نیت به معنی تعطیل کردن عمل تا اطمینان از خلوص آن نیست. خدا انجام

وظایف شرعی را از ما خواسته است. ترک آن به بهانه نداشتن خلوص نیت، نافرمانی خدا محسوب می‌شود. عمل صالح، به احتمال شائبه ریا نباید رها شود گرچه برای اصلاح نیت نسبت به خود باید بسیار سخت‌گیر و پرتوقع باشیم.

شعر و روضه در شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها

اللهم صل علی صدیقة الطاهره، فاطمة الزهرا، سیده

النساء العالمین

زهرا همان کسی است که بیت محقرش
 طعنه زده به عرش و تمامی گوهرش
 او را خدا برای خودش آفریده است
 تا اینکه هر سحر بنشیند برابرش
 شرط پیمبری به پسر داشتن که نیست
 مردی پیمبر است که زهراست دخترش
 مانند احترام خداوند واجب است
 حفظ مقام فاطمه حتی به مادرش
 یک نیمه اش نبوت و نیمه اش ولایت است
 حالا علی صدایش کنم یا پیمبرش
 دست توصل همه انبیاء بود
 بر رشته های چادری، فردای محشرش

در فاطمیه یک دنیا اندوه وجود دارد، عاشورا و شهادت امیرالمؤمنین جای خود، اما مصیبت فاطمیه آغاز مصیبت‌های شیعه است، اول شهیدی که در راه امامت و ولایت فدا شد در این ایام بود. نمی‌دانم حضرت



فاطمه در این شبها چه حالتی داشت، سنگ
صبورش قبر پیغمبر بود، بلند میشد، آرام می‌آمد
کنار قبر رسول الله و با خودش نجوا می کرد: یا رسول
الله! «بَقِيتُ بَعْدَكَ وَحِيدَةً فَرِيدَةً» بابا به خدا بعد از تو
تنها شدم. مردم از ما اعراض کرده‌اند. بابا! دیگر جواب
سلام علی را هم نمی‌دهند. خانه‌ای که شش ماه بر
در آن خانه می‌آمدی و می‌گفتی: السَّلامَ عَلَیکُم یا اهل
البیت و آیه‌ی تطهیر را می‌خواندی، بلند شو ببین با
آن چه کرده‌اند.

الهی مادر برات بمیرم که بعد از درو دیوار هر روز آب میشدی
ان شاء الله هر کی مادر داره، خدا براش نگه داره، بخدا
اگه یک روزی بری خونه ببینی مادرت حالش خوب
نیست دست و پات رو گم میکنی، اگه یه روز ببینی
سخت نفس میکشه دست و پات رو گم میکنی، اگه یه
روز ببینی بابات گوشه‌ی خونه زانوی غم بغل گرفته
کاری نمیتونه بکنه، همه غصه‌های عالم رو دلت می‌آد.

زهر جان زهر جان زهر جان

* سیزدهم ماه جمادی الأولى

مناسبت: روز شهادت مظلومانه حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (علیها السلام) بنا به روایت ۷۵ روز.

موضوع: امام شناسی و دفاع از ولایت حضرت زهرا (علیها السلام).

قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ (علیها السلام):

هُوَ الْإِمَامُ الرَّبَّانِيُّ، وَ الْهَيْكَلُ النُّورَانِيُّ، قُطْبُ الْاِقْطَابِ، وَ سُلَالَةُ الْأَطْيَابِ، النَّاطِقُ بِالصَّوَابِ، تُقَطُّهُ دَائِرُهُ

الْإِمَامَةِ؛ ۳۵

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در معرفی امام علی (علیه السلام) می فرمایند: او پیشوائی الهی و ربّانی است، تجسّم نور و روشنائی است، مرکز توجّه تمامی موجودات و عارفان است، فرزندی پاک از خانواده پاکان می باشد، گوینده ای حقگو و هدایتگر است، او مرکز و محور امامت و رهبریّت است.

نکته‌ها

● فضایل حضرت زهرا (علیها السلام) از حیث کثرت و عظمت آن چنان است که کسی قادر به کتمان یا انکار آن نیست. قرآن حضرت فاطمه (علیها السلام) را مصداق تام و کامل زن معرفی می کند. ۳۶

● روایاتی که در فضیلت حضرت زهرا (علیها السلام) وارد شده است بسیار زیاد است. روایاتی است که از لسان شخص



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در زمان حیاتشان، در مورد دختر گرامیشان بیان شده است. از آن جا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آل و سلم، به تصریح قرآن، از روی هوی و هوس سخن نمی گوید بلکه آن چه می گوید جز وحی نیست، همه ی سخنانشان، از جمله آن چه در مورد حضرت زهرا علیها السلام اعلام نموده اند دارای معنا و مقصود خاصی است.

● روایات مذکور در کنار فضایل قرآنی حضرت زهرا علیها السلام حاکی از این است که حضرت زهرا علیها السلام حجت بر مردم می باشند و عمل ایشان ملاک و الگو برای دیگران است. رسول خدا صلی الله علیه و آله به این جایگاه حضرت زهرا علیها السلام تصریح نیز داشته اند. در شواهد التنزیل آمده است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ان الله جعل علیا و زوجته و ابنائهم حجج الله علی خلقه» ۳۷ همانا خداوند علی و فاطمه و فرزندان آنها را حجت های خدا بر مردم قرار داد.

● سیره آن حضرت در اطاعت پذیری از مقام امامت و ولایت همچون مقام نبوت به عنوان اولین مشخصه رفتار سیاسی ایشان، بارز است. حضرت زهرا علیها السلام مقام امامت را مانند مقام نبوت امری الهی و انتصابی و حضرت علی علیه السلام را قطب و محور آن می دانستند.

● آن حضرت در دوران حیات خود هرگز بر خلاف رضای امام خود گام بر نداشت و از دستور و خواست

او سرپیچی نکرد و با آن که خود معیار حق و ملاک رضایت و خشم کبریایی و صاحب نظر در مسائل سیاسی بود، ولی هرگز در این عرصه خارج از خط مشی سیاسی امیرمؤمنان (علیه السلام) و مصالح کلی امامت عملی انجام ندادند.

● پس از رحلت رسول خدا و بروز فتنه‌ی سقیفه، که به خاطر جانشینی آن حضرت به وجود آوردند؛ حضرت زهرا (علیها السلام) مداخله نمودند؛ چرا که ایشان برای مؤمنین حجت بودند و رسول خدا او را ملاک حق و باطل معرفی کرده بودند و رضایت فاطمه را رضایت خدا و خشم او را خشم خدا دانسته اند و او در هر جبهه‌ای قرار بگیرد حقانیت آن را ثابت می‌کند و ناخشنودی وی از جناحی دیگر، بیانگر بطلان آن جناح است. از این رو، ایشان لازم دید موضع خود را در قبال رخدادهای جدید روشن کند تا حق از باطل شناخته و حجت بر مردم تمام شود.

● حضرت زهرا در ضمن خطبه مفصلی نکاتی را تذکر دادند و به آنها اینچنین خطاب کردند که شما پس از رحلت رسول خدا در حالی که بدن مطهر آن حضرت بر روی زمین بود و چیزی از پیمانی که (با رسول و جانشین او) بسته بودید، نمی‌گذشت، (حق جانشینش را غصب کردید) با این بهانه که از فتنه می‌ترسیم اما بدانید که شما خود در فتنه سقوط کرده‌اید.

● حضرت فاطمه (علیها السلام) امام خویش را شناخت و هم با گفتار خویش از او حمایت کرد و هم تا پای جان در



مقابل دشمنان امام ایستاد و سرانجام جان خویش را فدا کرد و شهید راه امامت شد.

● پس از ماجرای سقیفه و انزوای اهل بیت (علیهم السلام)، گردانندگان سقیفه در صدد دلجویی از حضرت زهرا (علیها السلام) برآمدند و درخواست ملاقات با آن حضرت را کردند. طبیعی بود که حضرت فاطمه (علیها السلام) در تداوم مبارزه منفی خود با هرگونه پیشنهادی در این زمینه مخالفت ورزد و به درخواست کنندگان ملاقات پاسخ رد دهد. آنان دست به دامن حضرت علی (علیه السلام) شده، با فشار و اصرار از او خواستند از حضرت زهرا (علیها السلام) برای آنان اجازه بگیرد تا به اصطلاح عذر بخواهند و از حضرتش عیادت کنند؛ در پی این درخواست، رهسپار خانه آن حضرت شدند. حضرت علی (علیه السلام) موضوع را با آن حضرت در میان گذاشتند و فرمودند: «آنان هم اکنون پشت درِ خانه منتظر اجازه ورود هستند؛ تا نظر شما چه باشد.» حضرت زهرا که احساس کردند علی (علیه السلام) ملاقات را مصلحت می‌داند، در پاسخ فرمودند: «الْبَيْتُ بَيْنُكَ وَ الْحُرَّةُ زَوْجُكَ أَفْعَلُ مَا تَشَاءُ» ۳۸ خانه، خانه توست و من همسر تو هستم. آنچه مصلحت می‌دانی انجام بده.

شعر و روضه در شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها

اللهم صل على صديقة الطاهرة، فاطمة الزهراء، سيدة النساء

العالمين

مادر برای عمر کمت گریه می کنیم
 هر شب برای قد خمت گریه می کنیم
 هر روزِ ما برای شما فاطمیه است
 پس لحظه لحظه پای غمت گریه می کنیم
 ما بچه های مادرِ پهلوی شکسته ایم
 از رفتنِ قدم به قدم گریه می کنیم
 هر جا که دود و آتش و مسمار دیده ایم
 از غصه های دم به دمت گریه می کنیم
 چادر نماز فاطمه حصنِ حصین ماست
 ما زیر سایه ی علمت گریه می کنیم
 توفیق گریه را تو خودت می دهی به ما
 پس پای سفره ی کرمات گریه می کنیم
 ایوان طلا و گنبد و گلدسته ات کجاست؟
 حالا که گم شده حرمت گریه می کنیم ۳۹

گریه ی می کنیم برای مادری که مردم مدینه یه بار
 حالش رو نپرسیدن، بعد از واقعه ی «در» یک نفر نیومد
 احوال بپرسه، عوض اینکه احوال بپرسن جلوی امام
 علی رو گرفتن، گفتن: به زهرا بگو، دیگه بسه، چرا
 اینقدر گریه میکنه.

چه غصه ها که نخوردی برای همسایه
 هنوز هم که تو داری هوای همسایه
 کمی به فکر خودت باش در قنوت شبت



چقدر زمزمه کردی به جای همسایه
تو ناله کردی و همسایه را دعا کردی
ز گریه‌ی تو در آمد صدای همسایه
علی، از صدای گریه‌ی زهرا خسته شدیم، علی



* چهاردهم ماه جمادی الأولى

موضوع: شفاعت و شرایط شفاعت شونده.

مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ؛ ۴۰

هیچ شفاعت کننده‌ای، جز با اذن خدا نیست.

نکته‌ها

● آیات قرآن در باب شفاعت متفاوت است. برخی آیات منکر شفاعت و برخی مثبت آن‌اند؛ قرآن شفاعتی را که به اذن الهی و غیر استقلالی است، اثبات می‌کند و آیات نافی شفاعت، ناظر به شفاعت غیر استقلالی است.

● شفاعت در معنی صحیحش وسیله‌ای است برای بازگشت گناهکاران و آلودگان، و در معنی غلط و نادرستش موجب تشویق و جرأت بر گناه است. کسانی که جنبه‌های مختلف شفاعت و مفاهیم صحیح آن را از شفاعتهای انحرافی رائج میان منحرفان و مشرکان تفکیک نکرده‌اند گاه بکلی منکر مسأله شفاعت می‌شوند.

● آیات نافی شفاعت، شفاعتهای خیالی و پوچی که مشرکین و بت‌پرستان عرب در خیال خود ساخته و پرداخته بودند را زیر سؤال می‌برد و آنها را به باد انتقاد گرفته است، ولی اصل مسأله شفاعت را زیر سؤال نبرده، بلکه در آیات دیگری شفاعت را به اذن



خداوند برای برخی اثبات می‌نماید.

● شفاعت، جریان رحمت الهی است که شفاعت‌شوندگان، توسط کسانی که مورد رضایت خداوند هستند از آن برخوردار می‌شوند.

● برخی آیات قرآن مقام شفاعت را برای عده‌ای از ملائکه و افراد بشر به اذن و رضای خداوند تثبیت می‌کند و در واقع خداوند این مقام را به آنها بخشیده بنابراین آنان با توسل به رحمت و عفو و مغفرت و سایر صفات عالیّه خداوند می‌توانند بنده گناه کاری را که مستوجب عقوبت گردیده مشمول رحمت و آمرزش حق سازند. ۴۱

● هر گونه دخل و تصرف در امور نظام هستی از سوی وسایط و عوامل (شفیعان) در گرو اذن خداوند است.

● تمام علمای شیعه و اکثر علمای اهل تسنن می‌گویند شفاعت یک نوع وساطت در مغفرت و عفو و بخشیدن گناهان است؛ یعنی شخص قوی از ضعیف دستگیری می‌نماید و او را به مقامی برساند یا از عذابی برهاند همانطوری که از رسول خدا ﷺ می‌خوانیم: من شفاعتم را برای گناهکاران از امتم که مرتکب گناهان کبیره شده‌اند ذخیره نموده‌ام، اما نیکوکاران مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرند. ۴۲

۴۱ - : سبا، ۱۰۹: طه، ۲۶: نجم، : انبیاء و ۸۶: زخرف ۲۳.

۴۲ - بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۴.

● اعتقاد به شفاعت، باوری عمومی در میان مسلمانان است و آموزه شفاعت یکی از معارف اسلامی به‌ویژه معارف شیعه است و روایات در اثبات اصل شفاعت از طریق خاصه و عامه متواتر است. و شفاعت مسئله‌ای قطعی در اسلام است.

● امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: هر کس سه چیز را انکار نماید، از شیعیان ما نیست. معراج، سؤال در قبر و قیامت و شفاعت. ۴۳

● مسأله شفاعت از نظر منطق اسلام یک موضوع بی قید و شرط نیست؛ شفاعت، شرایط و قیود زیادی دارد که بدون آنها امکان‌پذیر نیست. چراکه شفاعت نیاز به زمینه مساعدی دارد و این مجرمین زمینه‌های شفاعت را به کلی نابود ساخته‌اند و به تعبیر بعضی از بزرگان، شفاعت همچون آب زلالی است که بر پای نهال ضعیفی ریخته می‌شود و بدیهی است که اگر نهال به کلی از بین رفته باشد آب زلال آن را زنده نمی‌کند.

● اولین شرط شفاعت‌شونده بلکه مهم‌ترین و اساسی‌ترین شرط شفاعت، مسأله اعتقاد به وحدانیت خداوند متعال است؛ بنابراین شرک و بت‌پرستی مانع از شفاعت می‌گردد؛ یعنی اولیاء خدا مشرکین را شفاعت نمی‌کنند.

● شرط دیگر، اینست که شفاعت‌شونده اهل ظلم و



ستم کردن به دیگران نباشد، مگر اینکه مظلوم از حق خویش بگذرد و ظالم را عفو نماید.

● سومین شرط شفاعت‌شونده که از شرایط مهم و اساسی به حساب می‌آید مسأله شیعه بودن شفاعت‌شونده است همانطوری که امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» فرمودند: «کسی شفاعت نمی‌کند و شفاعت نمی‌شود و از کسی شفاعت قبول نمی‌گردد مگر آنکه ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فرزندان معصوم او را دارا باشد و آن عهد نزد پروردگار است. ۴۴

● شرط دیگر شفاعت‌شونده این است که نماز خود را بزرگ بشمارد و هیچ کاری را بر نمازش مقدم ندارد. چرا که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: ای فرزندم، شفاعت ما به کسی که نمازش را سبک بشمارد نمی‌رسد. ۴۵

● یکی دیگر از شروط شفاعت‌شونده این است که خیانتکار نباشد؛ خیانت به برادران دینی خود نکند و کسی که خیانت به برادران دینی خود نماید، امید به شفاعت نداشته باشد. در این مورد روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است که: هر کس به برادر دینی خویش خیانت نماید، خداوند برکت را از روزیش برمی‌دارد و زندگیش را ویران می‌سازد و او را به خودش واگذار می‌کند و شفاعتی از او نخواهد شد. ۴۶

۴۴ - نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۳۵.

۴۵ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۶.

۴۶ - وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۱۰، حدیث ۱۱.

● پانزدهم ماه جمادی الأولى

موضوع: منافقان و پروژۀ نفوذ.

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ
وَمَا يَشْعُرُونَ؛ ۴۷

می‌خواهند خدا و کسانی را که ایمان آورده‌اند فریب دهند، در حالی که جز خودشان کسی را فریب نمی‌دهند اما نمی‌فهمند.

نکته‌ها

● در جامعه اسلامی گاهی با افراد و جریان‌هایی روبرو می‌شویم که دنبال پیاده کردن اسلام آمریکایی هستند؛ نه اخلاص و شهامت برای ایمان حداکثری دارند و نه شهامت انقلابی بودن را دارند و نه قدرت و جرأت بر مخالفت صریح و علنی با احکام اسلامی و آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب را دارند، این گروه که قرآن از آنها به عنوان (منافقین) یاد می‌کند و ما در فارسی از آن تعبیر به «(دو رو)» یا «(دو چهره)» می‌کنیم، کارشان این است که در صفوف مردم و مسئولان معتقد و متدین نفوذ می‌کنند، و از آنجا که شاید گاهی ظاهرشان اسلامی باشد، غالباً شناخت آنها مشکل است ولی قرآن نشانه‌های دقیق و زنده‌ای برای آنها بیان می‌کند که خط باطنی آنها را مشخص می‌سازد و الگویی در این زمینه به دست مسلمانان برای همه قرون و اعصار



می‌دهد.

● در صدر اسلام هم مسلمانان با اینچنین افراد و جریاناتی روبرو بوده‌اند و خداوند متعال در قرآن به مسلمانان نسبت به توطئه نفوذ و اهداف خطرناک آنان هشدار می‌دهد تا مردم مسلمان در هر زمانی مراقب تحرکات و برنامه‌های منافقانی که با قیافه حق به جانب و به نام یک فرد مسلمان، گفتارشان مورد قبول افراد واقع می‌شود، ولی در باطن، سدّ راه اسلام و از دشمنان قسم خورده هستند؛ باشند.

● منافقانِ نفوذی، خطرناک‌ترین دشمن مسلمانان به شمار می‌روند، چرا که شناخت چهره نفاق برای توده مردم بسیار دشوار و مبارزه با آن از مشکل‌ترین مبارزه‌هاست.

● همان گونه که ایمان دارای مراتب است، نفاق نیز مراحل و مراتب مختلف و گوناگونی دارد. بزرگ‌ترین نفاق آن است که انسان ایمان به خدا، ملائکه، کتب آسمانی، رسولان الهی و اعتقاد به آخرت را اظهار کند، در حالی که خلاف آن را در باطن باور داشته باشد. این قسم از نفاق در زمان صدر اسلام زیاد بود. مرتبه ضعیف آن نفاق در عمل است. این قسم از نفاق آن است که کاری را به صورت علنی انجام دهد و حال آن که به کارش اعتقادی ندارد. بنابراین نفاق نیز مانند ایمان، مراتب و شدت و ضعف دارد. تا جایی که در آیات قرآن، کسانی منافق نامیده می‌شوند که در

محیط اسلامی مانند آنان زیاد هستند، مثل کسانی که از جهاد تخلف می‌کردند، یا دلبستگی آنان به دنیا مانع از ادای تکالیف و خدمت‌رسانی می‌شد یا افرادی که نماز را با کسالت می‌خوانند و از روی اکراه انفاق می‌کنند، این‌طور افراد هم طبق دیدگاه قرآن دارای مرتبه‌ی ضعیفی از نفاق می‌باشند.

● خداوند متعال در این آیه می‌فرماید منافقان با خدعه و نیرنگ فکر می‌کنند می‌توانند خداوند و مؤمنان را فریب دهند، در حالی که متوجه نیستند که خودشان را فریب می‌دهند.

● قرآن می‌فرماید: خدعه و نیرنگ از جانب خود آنها است و از سوی دیگر می‌گوید: این خدعه و نیرنگ به خودشان باز می‌گردد و نمی‌فهمند؛ چرا که سرمایه‌های اصیلی را که خداوند برای نیل به سعادت در وجودشان آفریده، در مسیر خدعه و فریب و نیرنگ بر باد می‌دهند و دست خالی از هر خیر و نیکی، با کوله باری از گناه، از دنیا می‌روند.

● در این آیه می‌بینیم که خداوند برای تعظیم پیامبر اکرم و مؤمنان خود را در صف آنها قرار می‌دهد.

● نفاق در حقیقت وسیله‌ای است برای فریب وجدان، و چه دردناک است که انسان، این واعظ درونی، این پلیس همیشه بیدار و این نماینده الهی را در درون خود، خفه کند، و یا آن چنان پرده بر روی آن بیفکند که صدایش به گوش نرسد.



● انسان منحرف و آلوده، برای رهایی از سرزنش و مجازات وجدان، در برابر اعمال زشت و انحرافی دست به فریب وجدان خودش می‌زند، و کم کم برای خودش این باور را به وجود می‌آورد که این عمل من نه تنها زشت و انحرافی نیست بلکه اصلاح است و خداوند متعال در مقام رد چنین پندار غلطی از اصلاح در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ؛ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ» ۴۸ و چون به آنها گفته شود: در روی زمین فساد و تبهکاری نکنید. می‌گویند: جز این نیست که ما اصلاح گرانیم؛ به هوش باش که اینها همان تبهکارانند ولی نمی‌فهمند.

* شانزدهم ماه جمادی الاولی

موضوع: رنگ خدا.

صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ
عَابِدُونَ ۴۹

بگوئید ما رنگ خدایی بخود می گیریم و چه رنگی
بهتر از رنگ خداست و ما تنها او را عبادت می کنیم.

نکته‌ها

● بهترین رنگ آن است که صفا و بقا داشته باشد
و چشم اولیای خدا را به خود جلب کند. همرنگ با
فطرت و منطق باشد و مشتری آن خدا، و بهای آن
بهشت باشد.

● رنگ الهی همرنگ با فطرت و عقل سلیم و منطق
است. ۵۰

● اسلام، رنگ خدایی است که ما به خود گرفته ایم
و این بهترین رنگ است.

● مفسران قرآن کریم با استفاده از روایات، «صِبْغَةُ
الله» را که اضافه تشریفی است به «اسلام»، «فطرت»،
«ولایت ائمه معصومین (علیهم السلام)» معنی کرده اند.

● در احادیث متعددی از امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این
آیه نقل شده که مقصود از: «صِبْغَةَ اللَّهِ» آئین پاک



اسلام است. ۵۱

● در واقع قرآن فرمان می‌دهد همه رنگ‌های نژادی و قبیله‌ای و سایر رنگ‌های تفرقه‌انداز را از میان بردارند و همگی به رنگ الهی در آیند.

● تا رنگ نژاد و قبیله و هوسها را کنار نگذاریم، رنگ وحدت و برادری و تسلیم امر خدا بودن را نخواهیم گرفت. همه‌ی رنگ‌ها به مرور زمان کم رنگ و بی‌رنگ می‌شود. اما رنگ خدایی همیشگی و پایدار است. ۵۲

● هر گاه نیت خدایی بر دل غالب شود در آن صورت اعمال به بهترین شکل که همان صبغة الهی است، تجلی خواهد کرد و آدمی مقامات معنوی را یکی پس از دیگری سیر می‌نماید.

● با زدودن زنگارهای درون و تهذیب نفس، زینت الهی و دل افروزی رنگ خدایی آشکار می‌شود و از این طریق در معرفت به روی دل باز می‌گردد و شعاعی از معرفت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و معصومین (علیهم السلام)، در درون و در اعمال ظهور می‌کند.

● رنگ خدایی گرفتن یعنی مظهر صفات خدا شدن.

● انسانی که با جهان بینی توحیدی زندگی می‌کند و تنها خداوند را مؤثر در عالم وجود می‌داند و تمام قدرتهای غیر خدایی را نفی می‌کند، زندگی او رنگ

۵۱ - نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۳۲.

۵۲ - تفسیر نور، ج ۱، ص: ۲۱۵-۲۱۴.

شاد خدایی دارد او با آرامش و اطمینان و به دور از هر گونه اضطراب و نگرانی و دلهره زندگی می‌کند. او عزت نفس دارد و شخصیت خود را باور کرده است و هرگز در مقابل زورمداران سر خم نمی‌کند و رنگ خدایی در تمام شئون زندگی او آشکار می‌شود.





* هجدهم ماه جمادی الاولی

مناسبت: روز امور تربیتی و تربیت اسلامی.

موضوع: تربیت دینی در سبک زندگی اسلامی.

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝۵۳

خداوند بر مؤمنان منت نهاده (نعمت بزرگی بخشید) آن گاه که در میان آنها فرستاده‌ای از خودشان (نه از فرشته و نه از جن) برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند، و آنها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.

نکته‌ها

● قرآن رسالت تعلیم و تربیت انسان را به عهده دارد؛ همه آیات قرآن به طور مستقیم و غیر مستقیم در مقام تربیت انسان است.

● خداوند بزرگترین معلم اخلاق و مربی نفوس انسانی و منبع تمام فضائل است، و قرب و نزدیکی به خدا جز از طریق تخلیق به اخلاق الهی امکان پذیر نیست؛ بنابراین، هر فضیلت اخلاقی رابطه‌ای میان انسان و خدا ایجاد می‌کند و او را گام به گام به ذات مقدسش نزدیکتر می‌سازد.

● تزکیه نفوس و تربیت انسانها و پرورش اخلاق حسنه یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر اسلام ﷺ بوده

است؛ حتی می‌توان گفت تلاوت آیات الهی و تعلیم کتاب و حکمت مقدمه‌ای برای مسأله تزکیه نفوس و تربیت انسانها است و بدون اخلاق، نه دین برای مردم مفهومی دارد، و نه دنیای آنها سامان می‌یابد.

اقوام روزگار به اخلاق زنده اند

قومی که گشت فاقد اخلاق مردنی است!

● تکامل اخلاقی در فرد و جامعه، مهمترین هدفی است که ادیان آسمانی بر آن تکیه می‌کنند، و ریشه همه اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفسد و پدیده‌های ناهنجار است.

● بعثت انبیا، بزرگ ترین هدیه‌ی آسمانی و نعمت الهی است؛ گرچه بعثت، برای همه‌ی مردم است، ولی تنها مؤمنان، شکرگزار این نعمت هستند و از نور هدایت بهره می‌گیرند؛ رشد و خودسازی باید در سایه‌ی مکتب انبیا و آیات الهی باشد. (ریاضت‌ها و رهبانیت‌هایی که سرچشمه اش آیات الهی و معلّمش انبیا نباشند، خود یک انحراف است).

● زمانی انسان شایسته نام انسان است که دارای اخلاق انسانی باشد و در غیر این صورت حیوان خطرناکی است که با استفاده از هوش سرشار خود همه چیز را ویران می‌کند، و به آتش می‌کشد؛ برای رسیدن به منافع نامشروع مادی، جنگ به پا می‌کند، و برای فروش جنگ افزارهای ویرانگر تخم تفرقه و نفاق می‌پاشد، و بی گناهان را به خاک و خون می‌کشد!



● این تزکیه و آموختن کتاب و حکمت، همان تحول درونی انسان است. انسان برای این که به هدف خلقت خود برسد، باید به هدف بعثت انبیا درباره‌ی خود نائل شود. یعنی متحول گردد؛ درست شود؛ خوب شود و از آلودگی‌ها و پستی‌ها و عیب‌ها و هوای نفسانی که در درون انسان است و دنیا را به فساد می‌کشاند، نجات پیدا کند. ۵۴

● خداوند متعال در سوره فرقان نیز یکی از ویژگی‌های بندگان راستین را توجه خاص به تربیت دینی فرزندان و خانواده خویش می‌داند، تا آن جا که آنها برای خود در برابر آنها احساس مسئولیت فوق العاده‌ای می‌کنند چنان که می‌فرماید: «آنها پیوسته از درگاه خدا می‌خواهند و می‌گویند پروردگارا از همسران و فرزندان ما کسانی قرار ده که مایه روشنی چشم ما گردد.» مسلماً چنین افرادی آنچه در توان دارند در تربیت فرزندان و همسران و آشنایی آنها به اصول و فروع اسلام و راه‌های حق و عدالت، فروگذار نمی‌کنند و در آنجا که دستشان نمی‌رسد دست به دامن لطف پروردگار می‌زنند و دعا می‌کنند.

● نگهداری خود به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خانه

و خانواده، برنامه‌ی تربیتی قرآنی است.

● در تربیت قرآنی، حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آنها حاصل نمی‌شود، مهم‌تر از آن تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است؛ انسان در مقابل همسر و فرزند خویش مسئولیت سنگین‌تری نسبت به دیگران دارد، و موظف است تا آنجا که باید در تعلیم و تربیت آنها بکوشد، آنها را از گناه بازدارد و به نیکی‌ها دعوت کند.

● امام سجاد (علیه السلام) در رساله حقوق خود با اشاره به تربیت نیکو، فرموده است: «و اما حق فرزندان آن است که بدانی او از توسل و خیر و شر او در همین دنیا به تو نسبت داده می‌شود و تو نسبت به تربیت شایسته او و راهنمایی اش به سمت و سوی خدا و کمک به خداپرستی اش، مسئولی و در این مورد، پاداش یا کیفر داده خواهی شد. پس در کار تربیت فرزند، چنان رفتار کن که اگر در این دنیا آثار خوب داشت، مایه آراستگی و زینت تو باشد و با رسیدگی شایسته‌ای که نسبت به او داشته‌ای، نزد پروردگارت عذر و حجت داشته باشی!»

● محبت اساس موفقیت خانواده و از مؤثرترین روش‌های تربیتی است که در فرهنگ اسلامی به آن توجه خاصی شده، اسلام دستور داده که پدر و مادر باید براساس محبت فرزندان را تربیت کنند. چنان که

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز می فرماید: کودکان را دوست
بدارید و نسبت به آنها مهربان باشید.

* نوزدهم ماه جمادی الأولى

موضوع: «اهمیت مشارطه».

امام سجاد (علیه السلام) در پیشگاه خداوند متعال می فرمایند:
لَكَ يَا رَبِّ شَرْطِي إِلَّا أَعُوذَ فِي مَكْرُوهِكَ، وَضَمَانِي
أَنْ لَا أَرْجِعَ فِي مَذْمُومِكَ، وَعَهْدِي أَنْ أَهْجَرَ جَمِيعَ
مَعَاصِيكَ؛ ۵۵

شرطی در پیشگاه تو کرده‌ام که به آنچه دوست
نداری، باز نگردم، و تضمین می‌کنم به سراغ آنچه را
تو مذمت کرده‌ای نروم و عهد می‌کنم که از جمیع
گناهانت دوری گزینم.

نکته‌ها

● در مورد گامهای تربیتی و اخلاقی، نخستین گامی
که علمای بزرگ اخلاق بعد از توبه ذکر کرده‌اند،
«مشارطه» است؛ منظور از آن شرط کردن با نفس
خویش است با تذکرات و یادآوری هایی که همه روز
تکرار شود.

● به این طریق، که نفس خویش را مخاطب قرار
دهد و به او یاد آور شود که من جز سرمایه گرانبهای
عمر کالایی ندارم، و اگر از دست بروم تمام هستیم
از دست رفته، و با یادآوری سوره شریفه «و العصر
ان الانسان لفی خسر» ۵۶ به نفس خویش بگوید: با
از دست رفتن این سرمایه، من گرفتار خسران عظیم



می‌شوم، مگر این که کالایی از آن گرانبها تر به دست آورم، کالایی که در همان سوره در ادامه آیات آمده است: «الا الذين آمنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر» ۵۷ مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، و یکدیگر را به حق سفارش کرده و یکدیگر را به شکیبائی و استقامت توصیه نموده اند!

● مشارطه نوعی تلقین به نفس و بسیار مؤثر است و باید جدی گرفته شود و پیوسته انجام شود. امروزه بسیاری از کارهای درست یا نادرست، با تلقین به اشخاص و جوامع صورت می‌پذیرد. تلقین حتی نسبت به مردگان تأثیر دارد و لذا تلقین میت یکی از دستورات دینی ماست. پس سالک که دلی زنده و روحی سرزنده دارد، باید از آن بهره بجوید. سالک هر صبح گاه نفس خویش را مخاطب قرار داده و به او می‌گوید:

مبادا در لحظه‌ای از لحظات امروز غفلت عارض تو گردد؛

مبادا کوچک‌ترین دستور از دستورات سلوکی که وظیفهٔ توست، به موقع و به خوبی انجام نشود؛

مبادا عمل لغوی از تو سرزند یا گفتار لغوی از تو صادر شود؛

مبادا برای غیر خدا کاری انجام دهی و با غیر حق معامله کنی؛

مبادا امروزت بدتر از دیروزت باشد.

● «مشارطه» از گامهای مهمی است که برای تهذیب اخلاق برداشته می شود و بدون آن، ابرهای تیره و تار غفلت و غرور، سایه تاریک و شوم خود را بر دل و جان آدمی می افکند، و نجات او بسیار مشکل است.





* بیستم ماه جمادی الأولى

موضوع: محاسبه نفس را جدی بگیریم.

قال الصادق عليه السلام:

يَا ابْنَ جُنْدَبٍ حَقُّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ يَعْرِفُنَا أَنْ يَعْزِضَ
عَمَلَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ عَلَى نَفْسِهِ فَيَكُونَ مُحَاسِبَ
نَفْسِهِ فَإِنْ رَأَى حَسَنَةً اسْتَزَادَ مِنْهَا وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً
اسْتَغْفَرَ مِنْهَا لِئَلَّا يُخْزَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ ۵۸

ای پسر جندب، بر هر مسلمانی که ما را می شناسد، لازم است که در هر روز و شب، اعمالش را بر خود عرضه بدارد و از نفس خود حساب بکشد؛ اگر کار خوبی در آنها یافت، بر آن بیفزاید و اگر کار زشتی یافت، طلب بخشایش نماید تا در قیامت دچار رسوایی نگردد.

نکته‌ها

● یکی از موضوعاتی که در روایات بسیار تأکید گردیده و علمای اخلاق درباره آن بسیار بحث کرده اند، مسأله «محاسبه نفس» است.

● امام صادق عليه السلام در این روایت، بر این نکته تأکید می فرمایند که هر مسلمانی که ما را می شناسد و خود را به ما منتسب می کند و می خواهد برنامه زندگیش را از ما بگیرد، باید کارهای خود را واریسی کند و اهل محاسبه و حساب کشی از خودش باشد.

● همه باید عملکرد خودمان را در زمینه خوبیها و

بدیها، اطاعت و عصیان، خدا پرستی و هوا پرستی دقیقا مورد محاسبه قرار دهیم؛ درست مانند تاجر موشکاف و دقیقی که همه روز یا هر هفته و هر ماه و هر سال به حسابرسی تجارتخانه خود می پردازد و سود و زیان خویش را از دفاتر تجاری بیرون می کشد و بیلان تنظیم می کند، همانطور باید به یک محاسبه الهی و معنوی دست بزنیم و همین کار را در مورد اعمال و اخلاق خودمان انجام دهیم.

● این مسأله بقدری مهم است که یکی از نامهای روز قیامت، «یوم الحساب» است؛ مسأله حساب در قیامت بقدری روشن و آشکار است که انسان را در آنجا حسابرس خودش می سازند، و به او گفته می شود: «اقرء کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسبیا» (در آن روز به انسان گفته می شود) نامه اعمال را بخوان، کافی است که امروز خود حسابگر خود باشی! «۵۹

● اگر می خواهید بارشما فردا سبک باشد، در این جهان به حساب خویش برسید، پیش از آن که در آن جهان به حساب شما برسند.

● این روایات بخوبی نشان می دهند که مسأله محاسبه نفس در اسلام از اهمیت والائی برخوردار است، و کسانی که اهل محاسبه نفس نیستند، از پیروان راستین ائمه اهل بیت (علیهم السلام) محسوب نمی شوند!

● بهترین طریق محاسبه در حدیثی از امیرمؤمنان



علی (علیه السلام) نقل شده که بعد از نقل حدیث پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: اکیس الکیسین من حاسب نفسه؛ عاقل ترین مردم کسی است که به محاسبه خویش پردازد. مردی از آن حضرت پرسید: یا امیرالمؤمنین و کیف یحاسب الرجل نفسه؛ ای امیرمؤمنان! انسان چگونه نفس خویش را محاسبه کند؟

امام ضمن بیان مشروحاتی چنین فرمود: هنگامی که صبح را به شام می‌رساند، نفس خویش را مخاطب ساخته چنین گوید: ای نفس! امروز بر تو گذشت و تا ابد باز نمی‌گردد، و خداوند از تو درباره آن سؤال می‌کند که در چه راه آن را سپری کردی؟ چه عملی در آن انجام دادی؟ آیا به یاد خدا بودی و حمد او را به جا آوردی؟ آیا حق برادر مؤمن را ادا کردی؟ آیا غم و اندوهی از دل او زدودی؟ و در غیاب او زن و فرزندش را حفظ کردی؟ آیا حق بازماندگانش را بعد از مرگ او ادا کردی؟ آیا با استفاده از آبروی خویش، جلو غیبت برادر مؤمن را گرفتی؟ آیا مسلمانی را یاری نمودی؟ راستی چه کار (مثبتی) امروز انجام دادی؟! سپس آنچه را که انجام داده به یاد می‌آورد، اگر به خاطرش آمد که عمل خیری از او سر زده، حمد خداوند متعال و تکبیر او را به خاطر توفیقی که به او عنایت کرده به جا می‌آورد، و اگر معصیت و تقصیری به خاطرش آمد، از خداوند متعال آمرزش می‌طلبد و تصمیم بر ترک آن می‌گیرد، و آثار آن را از نفس خویش با تجدید صلوات

بر محمد و آل پاکش، و عرضه بیعت با امیرمؤمنان (علیه السلام)
برخوشتن و قبول آن و اعاده لعن بر دشمنان و مانعان
از حقوقش، محو می‌کند، هنگامی که این محاسبه
(جامع و کامل) را انجام داد، خداوند می‌فرماید: «من
به خاطر دوستی تو با دوستانم و دشمنیت با دشمنانم
(و محاسبه جامعی که با نفس خویش داشتی) در مورد
گناهانت به تو سختگیری نمی‌کنم و تو را مشمول
عفو خود خواهم ساخت!!» ۶۰





* بیست و یکم ماه جمادی الأولى

موضوع: عصبانی نشدن نابجا.

عن عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَلَّمَنِي عَمَلًا لَا يُحَالُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ؛ قَالَ: لَا تَغْضَبْ، وَلَا تَسْأَلِ النَّاسَ شَيْئًا، وَارْضَ لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ؛ ٦١

شخصی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید: ای رسول خدا! عملی به من یاد بده که میان آن عمل و بهشت فاصله ای نباشد.

پیامبر عظیم الشان اسلام فرمودند:

۱. عصبانی نشو؛
۲. از مردم چیزی طلب نکن؛
۳. برای مردم بپسند آنچه را برای خود می پسندی.

نکته‌ها

● قویترین حربه‌ی شیطان که با آن می‌تواند آدمی را به چاه تاریک گمراهی کشانده و نور ایمان را در وجودش خاموش نماید، عصبانیت نابجا است.

● وقتی خشم در وجود انسان شعله ور می‌شود قدرت تشخیص عقل ضعیف می‌گردد و کارآئی آن به نسبت شدت خشم از دست می‌رود. شدت خشم گاهی ممکن است به جایی برسد که شخص خشمگین در اوج خشم

قدرت عقل را کاملاً از کف بدهد و به دیوانه‌ای تبدیل شود که توان تشخیص درست از نادرست و حق از باطل را ندارد. و لذا از دیدگاه نهج البلاغه، خشم نوعی دیوانگی شناخته شده است.

● بسیاری از جنایات و تصمیمهای خطرناکی که انسان یک عمر باید کفاره و جریمه آن را بپردازد در حالت کنترل نکردن خشم انجام می‌شود.

● خداوند متعال در قرآن کریم یکی از صفات برجسته مؤمنین را تسلط بر خشم معرفی می‌کند. ۶۲

● پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که خشم خود را فرو برد با اینکه قدرت بر اعمال آن داشته باشد، خداوند دل او را از آرامش و ایمان پر می‌کند. این حدیث می‌رساند که فرو بردن خشم اثر فوق العاده‌ای در تکامل معنوی انسان و تقویت روح ایمان دارد.

● در آیات الهی و روایات اسلامی پیرامون روش های غلبه بر خشم موارد متعددی بیان شده است:

۱. سعی کنیم اشتباهات دیگران را نادیده بگیریم؛ ۶۳
۲. تقوا و پرهیزکاری؛ خداوند متعال یکی از مهمترین عوامل دارا بودن قدرت غلبه بر خشم را داشتن روحیه تقوا و پرهیزکاری معرفی می‌کند؛ ۶۴
۳. گفتن ذکر شریف «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»؛

۶۲ - آل عمران، ۱۳۴.

۶۳ - شوری، ۳۷.

۶۴ - آل عمران، ۱۳۳ و ۱۳۴.



۴. در حدیثی وارد شده که ابلیس به حضرت موسی گفت: از خشم بپرهیز و زمانی که خشمگین شدی بگو: (لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم) که در اثر آن خشم تو فرو می نشیند.

۵. یکی دیگر از راه‌های درمان عصبانیت فرستادن ذکر شریف صلوات است؛

۶. یکی دیگر از درمان‌های مؤثر در جهت کنترل عصبانیت آن است که به هنگام عصبانیت، صورت را بر زمین گذاشته و به درگاه خداوند بی همتا سجده نماید و از آن قدرت بی مثال برای فروکش کردن این آتش شیطانی یاری بجوید.

۷. در روایات دل‌نشین معصومین (علیهم‌السلام) وارد شده که اگر شخص عصبانی نشسته، بایستد و اگر ایستاده بنشیند و صورت از آن صحنه برگرداند یا دراز بکشد و یا از محل دور شود و خود را به کار دیگری مشغول سازد. این تغییر حالت در فرونشاندن آتش خشم بسیار مؤثر و مفید است.

● کسانی که زود عصبانی می شوند مطمئن باشند که می‌توانند روحیه خود را در زود عصبانی شدن، تغییر دهند؛ ولی برای نتیجه‌گیری نباید عجله کرد، بلکه باید حداقل یک مدت بر رفتارهای خود کار کرد؛ اگر چنین کردید، حتماً پس از آن، دگرگونی رفتاری خواهید داشت. ان شاء الله

* بیست و دوم ماه جمادی الأولى

موضوع: حفظ عزت نفس و درخواست کمک نکردن از دیگران.

کردن عن عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَلَّمَنِي عَمَلًا لَا يُحَالُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ؛ قَالَ: لَا تَغْضَبُ، وَلَا تَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا، وَارْضَ لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ؛ ۶۵

شخصی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پرسید: ای رسول خدا! عملی به من یاد بده که میان آن عمل و بهشت فاصله ای نباشد.

پیامبر عظیم الشان اسلام فرمودند:

۱. عصبانی نشو؛
۲. از مردم چیزی طلب نکن؛
۳. برای مردم بپسند آنچه را برای خود می پسندی.

نکته‌ها

● حفظ عزت نفس یکی از مهم ترین موضوعاتی است که اسلام بر آن تأکید دارد. و از مسلمانان می خواهد که در هیچ شرایطی آن را از دست ندهند. از این رو هر کاری، هر سخن یا رفتاری که موجب اختلال در عزت نفس گردد، اسلام آن را مردود می داند. و هر چیزی که باعث حفظ یا افزایش عزت نفس باشد، بر آن پا فشاری و تأکید می ورزد.



● امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: عزت مؤمن در این است که نسبت به مردم احساس احتیاج نکند. ۶۶

● از مردم درخواست کردن چون مایه ذلت نفس است، از آن نهی شده است. امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: نیازمندی و درخواست از مردم زبان گوینده را ناتوان می‌سازد. خردمندی و عقل انسان شجاع را درهم می‌شکند، آزاد مرد بزرگوار را از مقام خود تنزل می‌دهد و در جایگاه بنده خوار می‌نشاند، طراوت و روشنی رخسار را از میان می‌برد و روزی را نابود می‌سازد. ۶۷.

● از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده است: کسی که اظهار نیاز نکند، خداوند او را بی‌نیاز می‌گرداند؛ کسی که طالب عفت باشد، پروردگار متعال او را عفیف می‌نماید. کسی که از خدا چیزی بخواهد، خداوند به او عطا می‌کند. کسی که باب سؤال و درخواست را بر خود بگشاید، خداوند متعال هفتاد باب از فقر و بدبختی را به رویش می‌گشاید. هیچ چیز نمی‌تواند حتی کوچک ترین بابش را مسدود نماید. ۶۸.

● نقل شده از اطرافیان که امام خمینی (رحمته الله علیه) هم چنین خصوصیتی داشته‌اند و از اطرافیان خود (همسر و فرزندان و...) چیزی طلب نمی‌کردند و اگر بطور

۶۶ - بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۰۹.

۶۷ - غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۴۱.

۶۸ - وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۴۰.

مثال آب می خواستند خودشان بلند می شدند و آن کار را انجام می دادند. ما هم سعی کنیم اگر بالجمله نمی توانیم به این رهنمود اخلاقی عمل کنیم فی الجمله عمل کنیم.





* بیست و سوم ماه جمادی الأولى

موضوع: در پرهیز از خود خواهی.

عن عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)، قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَلَّمَنِي عَمَلًا لَا يُحَالُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ؛ قَالَ: لَا تَغْضَبُ، وَلَا تَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا، وَارْضَ لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ؛ ٦٩

شخصی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پرسید: ای رسول خدا! عملی به من یاد بده که میان آن عمل و بهشت فاصله ای نباشد.

پیامبر عظیم الشان اسلام فرمودند:

۱. عصبانی نشو؛
۲. از مردم چیزی طلب نکن؛
۳. برای مردم بپسند آنچه را برای خود می‌پسندی.

نکته‌ها

● یکی از نیازهای اساسی انسان محبت کردن و محبت دیدن است؛ همانطور که ما دوست داریم عزیز، مورد احترام و توجه دیگران باشیم، باید یاد بگیریم به همان مقدار هم به اطرافیان خود این نگاه مثبت را منتقل کنیم. کسی که چنین نگاهی داشته باشد یک خود کنترلی درونی در او شکل می‌گیرد و نمی‌گذارد، با خود خواهی و تکبر با دیگران برخورد کند و نمی‌گذارد جایگاه یا نگاه به دیگران را در شخصیت

خود تضعیف کند.

● شخص باید به گونه‌ای با دیگران رفتار کند که دوست دارد دیگران در شرایط مشابه با او آن‌گونه رفتار کنند.

همان خواه بیگانه و خویش را

که خواهی روان و تن خویش را

● بر اساس این دستور والا و زندگی‌ساز اسلام، ما انسانها وظیفه داریم که در هر کاری، رعایت حال دیگران را نیز بکنیم. یعنی همیشه خودمان را به جای دیگران بگذاریم، و با مردم طوری رفتار کنیم، که دوست داریم دیگران با ما همانطور رفتار کنند؛ کسی که به مشکلات و ناراحتی‌های دیگران اهمیت نمی‌دهد، باید حساب کند که آیا خودش می‌تواند همان مشکلات و ناراحتی‌ها را تحمل کند، یا نه؟

● بسیاری از مشکلات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی خانوادگی مان ناشی از به کار نبردن این اصل در زندگی‌هایمان می‌باشد در حالی که معصومین (علیهم‌السلام) بسیار بر این مهم تأکید نموده‌اند.

● تمام بدی‌ها به خاطر توجه انسان به خویشتن خویش و نفس خود است! ۷۰

● خواستن خوبی برای دیگران و نخواستن بدی برای غیر خود، یک وقت فقط به صورت زبانی و با آرزو کردن صورت می‌گیرد و در همان خواستن زبانی



متوقف می‌شود ولی مفهوم صحیح و صائب «برای دیگران خواستنِ آنچه برای خود می‌خواهم» این است که با فعالیت خود، زمینه برخوردار شدن دیگران را نیز فراهم آورم. به عنوان مثال، حضرت زهرا (علیها السلام) اگر در طول شب برای همسایگان و دیگران دعا می‌کند عملاً نیز در شب عروسی، پیراهن خود را به دیگری می‌بخشد و برای دیگری «خواستن» را در عمل نشان می‌دهد.

● به امید این که روزی همه افراد جامعه، سرشار از محبت به خود و دیگران در راستای تعالی انسان و جامعه گام بردارند و بتوانیم سربلند و با نشاط، در راه رسیدن به اهداف عالی، همدیگر را همراهی و همیاری نماییم.

* بیست و پنجم ماه جمادی الاولى

موضوع: آثار احسان و نیکو کاری.

قال الصادق (علیه السلام):

يَعِيشُ النَّاسُ بِإِحْسَانِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَعِيشُونَ بِأَعْمَارِهِمْ وَ
يَمُوتُونَ بِذُنُوبِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَمُوتُونَ بِآجَالِهِمْ؛ ۷۱

مردم، بیشتر از آن که با عمر خود زندگی کنند، با احسان و نیکوکاری خود زندگی می کنند و بیشتر از آن که با اجل خود بمیرند، بر اثر گناهان خود می میرند.

نکته‌ها

● از جمله مفاهیم ارزشمندی که در آموزه‌های دینی به خصوص قرآن کریم، مورد عنایت و توجه قرار گرفته و به آن سفارش شده، احسان و نیکوکاری است. احسان و نیکوکاری کارکردهای زیادی در عرصه های فردی، اجتماعی، فرهنگی، معنوی و... دارد.

● احسان و نیکوکاری باعث ایجاد دوستی و صمیمیت بین افراد جامعه می شود. هرگاه انسان های نیکوکار با ایشار و فداکاری خود به یاری انسان های مظلوم و مستضعف اقدام کنند و با کمک های مادی و عاطفی خود، زندگی آنان را تا حدودی سر و سامان بدهند و از حالت بحرانی نجات دهند، آنان نیز نه تنها احسان و نیکوکاری افراد خیر را فراموش نمی کنند؛ بلکه در ادامه زندگی، سعی خواهند نمود تا به نوعی جبران نمایند



و احسان و نیکوکاری دیگران را به بهترین شکل، پاسخ دهند.

● از جمله آثار ارزشمند احسان و نیکوکاری، اجر و پاداشی است که در دنیا، نصیب انسان‌های خیر می‌شود. در واقع خدای سبحان به نوعی اعمال و رفتار خوب و شایسته نیکوکاران را در همین دنیا، مورد لطف و عنایت قرار می‌دهد و جبران می‌نماید؛
تو نیکی می‌کن و در دجله انداز
که ایزد در بیابانت دهد باز

● پاداش نیکوکاری زودتر از هر کار خوب دیگری می‌رسد و کیفر ستم و تجاوز زودتر از هر کار بد دیگری گریبان می‌گیرد. ۷۲

● چهار چیز از گنجهای نیکوکاری است: پنهان داشتن حاجت، صدقه پنهانی، نهان داشتن درد و نهان داشتن مصیبت ۷۳.

● احسان و نیکوکاری، مصادیق فراوانی دارد، به عنوان نمونه: ایمان به خدا، به پیامبر ﷺ، قرآن کریم و معاد، تقوا و تحمل سختی‌ها و مشکلات، عفو و گذشت، محبت و دوستی اهل بیت (علیهم‌السلام)، خیرخواهی و اصلاح، اجتناب از فساد، فحشا و گناهان کبیره، استغفار در سحرگاهان، پرداخت زکات، انفاق و بخشش در راه خدا، تأمین نیازمندان و محرومان، رفتار شایسته با پدر و مادر از مصادیق احسان و نیکوکاری است.

* بیست و ششم ماه جمادی الاولی

موضوع: صدقه خود را پنهانی بدهید.

قال رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: صَدَقَةُ السِّرِّ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ، كَمَا تُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ، وَتَدْفَعُ سَبْعِينَ بَاباً مِنَ الْبَلَاءِ؛ ۷۴ صدقه‌ای که محرمانه و پنهانی داده شود سبب پاکی گناهان می‌باشد، همان طوری که آب، آتش را خاموش می‌کند، همچنین صدقه هفتاد نوع بلا و آفت را بر طرف می‌نماید.

نکته‌ها

● یکی از آموزه‌های دستوری قرآن، صدقه است. در بسیاری از روایات، صدقه با دو اثر جذب منفعت و دفع بلا مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو صدقه دادن در هر روز به ویژه برای دفع بلا و رفع گرفتاری‌ها به عنوان مستحب معرفی شده و از مؤمنان خواسته شده تا با صدقه دادن خود را بیمه کنند.

● اگر انسان کامل را انسان اخلاقی بشماریم، دست یابی به انسان اخلاقی تنها در محیط اجتماع، شدنی است.

● صدقه یکی از علل و عوامل افزایش همگرایی اجتماعی انسان است.

● اخبار و روایات وارده در فضیلت صدقه بسیار است و فواید زیادی برای آن بیان شده است؛ مانند این



که صدقه سبب زیادی رزق و روزی، شفای بیماری ها، دوری آتش جهنم، دفع هفتاد بلا و مصیبت در دنیا، طولانی شدن عمر و ... می شود. ۷۵

● خدای متعال صدقه دادن را مدح کرده، ولی دو روش صدقه دادن را نمی پسندد، یکی صدقه ریایی که از همان اول باطل انجام می شود، و دیگری صدقه ای که بعد از انجام آن، به وسیله منت و اذیت ثواب و ارزش آن از بین می رود. بطلان این دو قسم صدقه از این رو است که برای رضای خدا انجام نشده، و یا اگر هم برای رضای خدا بوده، شخص نتوانسته نیت خود را خالص نگه دارد، و با منت و اذیت آن را باطل کرده است. ۷۶

● خداوند در قرآن دو قسم صدقه دادن را مطرح می کند، یکی صدقه آشکار و دیگری پنهان، و هر دو را ستوده است؛ برای این که هر کدام از آن دو آثار و نتایج دارند، اما صدقه آشکارا که خود تشویق و دعوت عملی مردم به کار نیک، و نیز مایه دلگرمی فقرا و مساکین است؛ چرا که می بینند در جامعه مردمی مهرورز هستند که به حال آنان ترحم می کنند، و اموالی را در جامعه برای آنان و رفع حوایجشان قرار می دهند، تا برای روز قیامتشان که روز گرفتاری است ذخیره ای باشد. این کار باعث می شود که روحیه یأس و ناامیدی از فقرا زدوده شود، و در کار خود دارای نشاط

۷۵ - وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۲۵۷.

۷۶ - المیزان، ترجمه، موسوی همدانی، ج ۲، ص ۶۰۱.

گردند، و احساس کنند اگر سرمایه‌دار کسب و تجارتي می‌کند، تنها برای منافع شخصی نیست، و این خود آثار نیک بسیاری دارد.

اما آثار صدقه پنهانی این است که انسان از ریا دورتر است، آبروی فقیر محفوظ می‌ماند، و فقیر احساس ذلت و خفت نمی‌کند؛ پس می‌توان گفت: صدقه علنی نتیجه‌های بیشتری دارد، و صدقه پنهانی خالص‌تر و پاک‌تر انجام می‌شود. از آن جا که بنای دین بر اخلاص است، بنابراین عمل هر قدر خالص‌تر باشد فضیلت بیشتری دارد، و به همین جهت خدای سبحان صدقه مخفی را بر صدقه علنی ترجیح داده و می‌فرماید: اگر مخفیانه صدقه دهید برایتان بهتر است.

● طبق آیات و روایات صدقه دادن یک امر بسیار با ارزشی است، ولی شخص صدقه دهنده باید این کار را برای رضای خدا انجام دهد و مواظب باشد که با منت گذاشتن و اذیت فقیر ارزش آن را از بین نبرد. مقدار آن هم هر مقداری که در توان شخص باشد کافی است. در پرداخت آنهم باید نزدیکان خود را در اولویت قرار دهد.

● از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد: از چه چیز صدقه بدهم و به چه کسانی؟ آیه نازل شد که ای پیغمبر بگو: از خیر و نیکی (و هر گونه سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می‌کنید، برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان، اگر فقیر باشند و مستمندان و واماندگان در

راه باید باشد. ۷۷

● روزهای پایانی سال را سپری می‌کنیم دستگیری و کمک به نیازمندان را با در نظر گرفتن اولویت‌ها و با روش مخفیانه، جدی بگیریم.

* بیست و هفتم ماه جمادی الأولى

موضوع: مهلت دادن به بدهکار نیازمند.

قال رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله):

مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا، كَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ؛ ۷۸

رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کس بدهکار ناتوانی را مهلت بدهد برای هر روزش ثواب صدقه در راه خدا می باشد.

نکته‌ها

● یکی از کارهای خداپسندانه‌ای که می‌توان با آن، گره‌ای را گشود، غبار غمی را از چهره‌ای گرفت، دلی را شاد کرد و اسباب خرسندی خداوند سبحان را به ارمغان آورد، قرض دادن است.

● پاداش وام دادن هیجده برابر بیش از صدقه است زیرا قرض الحسنه باعث می‌شود که شخص به گرفتن صدقه دچار نشود. ۷۹

● در قرض دادن، همچنان که بدهکار تو اگر توانگر باشد روا نیست در پرداخت بدهی‌اش به تو تعلل ورزد، بر تو نیز روا نیست که اگر بدانی تنگ دست است، او را تحت فشار قرار دهی.

● امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: طایفه‌ای روز قیامت در سایه عرش حق مبعوث می‌شوند، صورت و لباس

۷۸ - بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۵۱، ح ۱۷.

۷۹ - بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۱۴۰.



آنان از نور است و بر کرسی‌هائی از نور قرار دارند، خلائق به محضر آنان مشرف می‌شوند و می‌گویند: اینان انبیاء هستند، منادی از زیر عرش فریاد می‌زند: نه اینان انبیا نیستند، می‌گویند: پس اینان شهدایند، منادی فریاد می‌کند: نه اینان شهدا نیستند، بلکه این طایفه همانانند که در دنیا بر مردم آسان می‌گرفتند، و بدهکار تنگ‌دست را مهلت می‌دادند تا به فراخی برسد. ۸۰

● قرآن کریم به طلبکاران می‌گوید: در این گونه موارد که بدهکاران سخت در تنگنا قرار دارند اگر بدهی آنان بخشوده شود، از هر نظر برای شما بهتر است. (أَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ) احساس کینه توزی و انتقام را به محبت و صمیمیت مبدل می‌سازد و افراد ضعیف جامعه را به فعالیت مجددی که نتیجه‌اش نصیب همگان می‌شود، وا می‌دارد و اضافه بر اینها، صدقه و انفاقی در راه خدا محسوب می‌شود که ذخیره روز پسین خواهد بود. ۸۱

● در نقطه مقابل نیز پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که قادر به پرداخت حق دیگران است، اگر سهل‌انگاری نماید و طلبکار را معطل کند در مقابل هر روز تاخیر، گناه شخص باجگیر در نامه عملش ثبت

خواهد شد.^{۸۲}

- دزدان سه گونه‌اند: کسی که زکات نپردازد، کسی که مهر زنان را حلال شمارد، و کسی که قرض کند و نیت پرداختن آن را نداشته باشد.^{۸۳}



۸۲ - بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۴۶.

۸۳ - وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۷۷.



* بیست و هشتم ماه جمادی الأولى

موضوع: اهمیت و آثار سرپرستی یتیم.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

مَنْ كَفَلَ يَتِيمًا وَ كَفَلَ نَفَقَتَهُ، كُنْتُ أَنَا وَ هُوَ فِي الْجَنَّةِ

كَهَاتَيْنِ. وَ قَرْنَ بَيْنَ إِصْبَعَيْهِ الْمُسَبِّحَةِ وَ الْوُسْطَى؛ ۸۴

پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: کسی که

یتیمی را سرپرستی کند و عهده دار نفقه و مخارج او

گردد من و او در بهشت پهلوی یکدیگر هستیم. سپس

انگشت سبابه و انگشت وسطی را پهلوی هم گذاشت و

فرمودند: مانند این دو که پهلوی یکدیگر هستند.

نکته‌ها

● در زندگی انسانها خلأها و کمبودهایی وجود دارد که

جز از طریق محبت و دوستی نمی‌توان آن را جبران

کرد و در این میان، کودکان یتیم بیشترین نیاز را

احساس می‌کنند زیرا آنها که در اثر از دست دادن

پدر یا مادر از سرچشمه مهر و محبت دور افتاده‌اند

بیش از هر چیز به نوازش و محبت محتاج‌اند و برای

این احساس عاطفی و روحی خواه ناخواه در انتظار

پاسخ هستند.

● وجود کودکان یتیم که پدر یا والدین خود را در

طفولیت از دست داده‌اند در هر جامعه‌ای اجتناب‌ناپذیر

است. این کودکان در همه ادیان الهی مورد توجه بوده

و بر ضرورت تعهد نسبت به آنان و امنیت از تجاوز به حقوقشان و ترغیب در جلب دوستی و اظهار لطف به آنان تأکید بسیار شده تا آنجا که رعایت حال آنان از جمله بندهای عهد نامه‌ای است که خداوند از بنی اسرائیل گرفته است.

● خداوند یکی از کارهای نیک را یتیم نوازی دانسته است. ۸۵

● پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که پیام آور رحمت و رحمه للعالمین است نسبت به این موضوع شدیداً توصیه کرده و با بیانات مختلف در مناسبت‌های گوناگون مسلمانان را در تکریم یتیمان ترغیب و تشویق فرموده و مردم را به سرپرستی آنها امر کرده و خود نیز عملاً عهده‌دار نگهداری و سرپرستی از یتیمان بوده و در حدیثی از آن حضرت آمده است: محبوب ترین خانه آن خانه‌ای است که در آن کودک یتیمی با عزّت و احترام زندگی کند. ۸۶

● در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که: سوگند به کسی که جانم در قبضه قدرت اوست، هر مسلمانی که سرپرستی یتیمی را به عهده بگیرد و بخوبی از عهده ولایت و سرپرستی آن یتیم برآید و دست محبت بر سر او بکشد به عدد هر مویی که از زیر دستش می‌گذرد خداوند متعال یک درجه مقام او را بالا می‌برد و یک



ثواب در نامه عمل وی می نویسد و یک گناه از او کم می کند. ۸۷.

● در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده که آن حضرت روزی در راه اصلی مدینه می گذشت، چند کودک را دید که طفلی را دوره کرده و او را به نداشتن پدر سرزنش می کنند و می گویند که تو پدر نداری ولی پدر ما فلان است و دارای شأن و مقام می باشد، کودک یتیم بنای گریستن گذاشت.

پیامبر گرامی پیش او رفتند و پرسیدند: چرا گریه می کنی؟ گفت: من پسر فلانی هستم که در جنگ احد کشته شد، مادرم شوهر کرد و مرا از خود راند و خواهرم نیز فوت کرده است. پیامبر مهربان، او را نوازش و آرام کرد، فرمود: اگر پدرت را کشتند، من پدر توام و همسرم مادرت و فاطمه خواهرت است، کودک خوشحال شد و فریاد برآورد: بچه ها اکنون مرا سرزنش نکنید که پدر و مادر و خواهر من از همه شما بهتر و برتر است سپس حضرت او را به حضرت فاطمه علیها السلام سپرد، حضرت فاطمه نیز او را نوازش و پاکیزه کرد و لباسی تمیز بر او پوشانید و تا رحلت پیامبر در خانه آن بانو بود. ۸۸.

● از دیگر حقوق یتیم آن است که اموالش را تا بلوغ جنسی و رشدی حفظ کنند. خداوند می فرماید: و اموال

۸۷ - کنز العمال، ج ۳، ص ۱۷۵، ح ۶۰۳۰.

۸۸ - مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۲، ص ۴۷۴.

یتیمان را پس از بلوغ به دست آنها دهید، و مال بد و نامرغوب خود را به مرغوب (آنها) تبدیل نکنید و اموال آنان را به ضمیمه اموال خود نخورید، که این گناهی بس بزرگ است. ۸۹





* آخرین روز ماه جمادی الأولى

مناسبت: روز راهیان نور.

موضوع: شهیدان زنده‌اند به آنان مرده نگویید.

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ
وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ۙ ۹۰

و به آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگویید، بلکه زنده ابدی هستند و لیکن همه شما این حقیقت را درک نمی‌کنید.

نکته‌ها

● از آن جا که غیر شهیدان نیز از زندگی برزخی برخوردارند، معلوم می‌شود حیاتی که خداوند برای شهیدان بیان داشته، حیات و زندگانی ویژه‌ای است.

● اسلام در تعلیمات خود این درس بزرگ را به همه می‌آموزد که شهادت در راه خدا و در طریق حق و عدالت به معنی فناء و نابودی و مرگ نیست، بلکه سعادت است؛ و زندگی جاویدان و افتخار ابدی سربازانی که چنین درسی را در این مکتب بزرگ آموخته‌اند هرگز قابل مقایسه با سربازان عادی نیستند، سرباز عادی به حفظ جان خود می‌اندیشد، اما آنها برای حفظ مکتب پیکار می‌کنند و پروانه وار می‌سوزند و قربانی می‌شوند و افتخار می‌کنند. ۹۱

۹۰ - بقره، ۱۵۴.

۹۱ - تفسیر نمونه.

● زیارت اهل قبور، به خصوص زیارت شهدا، از زمان رسول خدا ﷺ صورت می پذیرفته است.

● طلحة بن عبدالله نقل می کند: «همراه پیامبر خدا ﷺ از شهر خارج شدیم، وقتی که به مزار شهدا رسیدیم، آن حضرت فرمودند: این قبور، آرامگاه برادران ماست و بعد به زیارت شهدا مشغول شدند.» ۹۲

● زیارت قبر پیامبر خدا ﷺ و زیارت قبر شهیدان و زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) برابر است با یک حج مقبول همراه با رسول خدا ﷺ ۹۳

● رسول اکرم ﷺ می فرمایند:

نیروهای رزمنده هنگامی که تصمیم به شرکت در جنگ می گیرند، خداوند مصونیت آنها را از آتش جهنم تضمین می کند. و چون آماده جنگ شوند، فرشتگان به وجود آنها افتخار می کنند. هنگامی که با خانواده خود وداع می کنند... از گناهان خود خارج می شوند همان گونه که مار، از پوست خود خارج می شود. خداوند چهار هزار فرشته را بر آنها می گمارد تا از جلو و پشت سر آنان را محافظت نمایند.

کار نیکی انجام نمی دهند مگر اینکه مضاعف شود. در مقابل هر روز در جبهه ثوابی برابر عبادت هزار مرد عابد برای ایشان می نویسند. چون با دشمن روبه رو می شوند قلم همه اهل دنیا از درک ثواب آنها

۹۲ - بیهقی، سنن کبری، ج ۵، ص ۲۴۹.

۹۳ - وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۲۷۸.



عاجز است. و چون به مبارزه با دشمن می ایستند و تیرها را آماده نشانه رفتن به دشمن می کنند و با یکدیگر درآویزند فرشتگان بال های خود را بر سر آنها می گسترانند و برای پیروزی و ثابت قدمی آنها دعا می کنند. هنگام ضرب و زخم، همسر بهشتی و نعمت های الهی بر او فرود می آید. مرحبا به روح پاکي که از بدنی پاک و مطهر خارج شد، بشارت باد بر تو کرامت ها و نعمت هایی که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است و بر قلب هیچ کسی خطور نکرده است. ۹۴

● یکی از مصادیق زیارت شهدا همین اردوهای زیارتی راهیان نور می باشد که به منظور آشنا کردن اقشار مختلف مردم با فرهنگ جهاد، ایثار و شهادت صورت می پذیرد.

● زنده نگاه داشتن یاد شهدا و ارزش های دفاع مقدس به عنوان اصلی ترین و اولویت دارترین رسالت های راهیان نور است که مقام معظم رهبری مدظله العالی فرمودند: «زنده نگاه داشتن راه شهدا کم تر از شهادت نیست.»

● همه ما در قبال شهدای عزیز مسئولیت داریم و باید برای نهادینه کردن فرهنگ جهاد و شهادت، و آشنایی، تعمیق، ترویج و تداوم این فرهنگ در سطوح مختلف جامعه، همه تلاش خود را بکار بگیریم.